



معرفی اجمالی نقشه راه
تولید الگوی پیشرفت اسلامی

از مدخل نقد الگوهای توسعه
غربی

در مصاحبه حجه الاسلام علی کشوری
دبیر شورای راهبردی نقشه راه
با هفته نامه ۹ دی





معرفی اجمالی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

از مدخل نقد الگوهای توسعه غربی

مشروح مصاحبه حجه الاسلام علی کشوری دبیر شورای
راهبردی نقشه راه
با هفته نامه ۹ دی

شناسنامه اثر

مکان مصاحبه: دفتر هفته نامه ۹ دی

تاریخ انتشار: ۹۱/۷/۱۵

پیاده و ویراست: هفته نامه ۹ دی

تاریخ پیاده و ویراست: ۹۱/۷/۱۵

فهرست جلسه: ملیحه هاتفی پور

تاریخ شروع فهرست: ۹۳/۴/۱۵

تاریخ پایان فهرست: ۹۳/۴/۱۸

طراحی صفحه و پاراگراف بندی:

ملیحه هاتفی پور



علمدار ولایت

دانشجو

به نظر من، دانشجوی موفق کسی است که خوب درس بخواند، خوب تهذیب اخلاقی بکند و خوب ورزش بکند. دانشجویان به عنوان نیروهای متخصص در آینده کشور نقش مهمی خواهند داشت.

فهرست اجمالی مطالب:

۱/ معرفی الگوی پیشرفت اسلامی از مدخل نقد مدل های
توسعه غربی..... ۸



اگر قرار باشد وارد بحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بشویم باید از نقد مدل‌های توسعه غربی شروع کنیم؛ گرچه تا حالا در محافل مختلف در نقد الگوهای غربی توسعه و آنچه که در دوران اصلاحات و سازندگی انجام شد و به نوعی به بازتولید سبک زندگی غربی منجر شد، زیاد گفته شده است اما من هر چی فکر می‌کنم می‌بینم که بالاخره پایه و اساس بنای جدید نقد بنای قبلی است، از این جهت یک توضیح مختصری در مورد مدل‌های قبلی توسعه و خصوصیات آن‌ها بفرمایید.

۱/ معرفی الگوی پیشرفت اسلامی از مدخل نقد مدل‌های توسعه غربی

بسم الله الرحمن الرحيم.

فرمایشی که حضرتعالی می‌فرمایید در واقع یک تبیینی است از مسئله پیشرفت اسلامی یعنی در واقع شما می‌خواهید به این برسید که حالا در ادبیات انقلاب و مسئولین ارشد انقلاب که امروز به این نتیجه رسیده شده که ما نیاز داریم به تولید ملی و پیشرفت اسلامی، دلایل آن چیست. برای تبیین این

مسئله، رویکردهای مختلفی در کشور وجود دارد همانطور که شما فرمودید آسیب شناسی مسئله الگوهای غربی با روشهای مختلفی انجام شده است.

۱/۱. تبیین الگوی پیشرفت اسلامی برای داشتن زاویه دید بهتر نسبت به توسعه غربی

خوب! ما اگر نخواهیم اشاره داشته باشیم به آنها چون بالاخره بحث مفصلی است و خوانندگانی داریم که به احتمال زیاد درگیر موضوع هستند و با این مسئله آشنا هستند؛ ما شاید یک زاویه دید بهتری را برای نقد باز کنیم و آن توجه نسبت به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی است که در درون آن نقد توسعه غربی هم وجود دارد.

۱/۱/۱. توجه به جهت حرکت انقلاب اسلامی لازمه ی تبیین زاویه دید به مسئله الگوی پیشرفت

زاویه دید ما این است که ما یک توجهی داشتیم به جهت جمهوری اسلامی و با توجه به جهت جمهوری اسلامی نگاهمان را به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی تبیین کنیم.

۱/۱/۱/۱. عدم استفاده از الگوهای غربی به وسیله درک جهت حرکت انقلاب به عنوان اولین بحث

یعنی ما یک تبیین و یک درکی از جهت نظام مبارک جمهوری اسلامی داریم که آن درک و جهت به ما می‌گوید که نباید از الگوهای غربی استفاده کنیم، این یک بحث است.

۱/۱/۱/۲. عدم استفاده از الگوهای غربی به وسیله بازخوانی ۲۰۰ سال گذشته انقلاب به عنوان بحث دوم

یک بحث دیگر این است که ما یک بازخوانی تاریخی داریم از دارالفنون به این سمت، از دویست سال پیش یک تجربه ای کشور ما داشته است. ما از آنجا هم می‌توانیم به جمع بندی برسیم که آیا الگوهای توسعه غربی چه اثری داشته است.

۱/۱/۱/۳. مرتبط بودن این دو بحث از لحاظ معنایی با هم

ما بحث مان فعلا نقد الگوهای غربی نیست ولی به هر حال این دو مسئله از هم جدا نیستند و باهم ارتباط مفهومی دارند.

۱/۱/۱/۲/۱. تجربه ۲۰۰ ساله به عنوان کارنامه روشن از عملکرد روشنفکران

ما در کشورمان یک تجربه دویست ساله ای داریم که کارنامه روشنی است از جهت عملکرد تزه‌های روشنفکری غربی در کشور.

۱/۱/۱/۲/۲. روشن شدن نقاط ضعف و قوت در بازخوانی کارنامه ۲۰۰ ساله و وادار ساختن به ورود به بحث الگوی پیشرفت اسلامی

من احساس می‌کنم که بازخوانی این کارنامه باعث میشود که یک سری نقاط ضعفی مشخص و روشن بشود و آن نقاط ضعف ما را واداشته به اینکه بحث "الگوی پیشرفت اسلامی" در ادبیات انقلاب مطرح بشود.

۱/۱/۱/۲/۳. متکثر بودن مفهوم توسعه غربی به اقتضای زمانی و منطقه ای در عین وجود رگه هایی از اصول ثابت در آن

س: مضافا بر اینکه به نظر من ما می‌توانیم یک چیزی را اینجا طرح کنیم که اصلا الگوی توسعه غربی به مبنای همین غربی خود هم یک چیز واحدی نیست و یک مفهوم متکثری است،

بین خودشان در جهات مادی خودشان به اقتضای زمانی و از یک منطقه به منطقه دیگری، الگوهای مختلف توسعه غربی وجود داشته است. در حقیقت ما با یک الگوی واحد در تقابل نیستیم و از همین رو الگوهای کپی برداری شده غربی هم که در داخل کشور اجرا شد، آن هم یک الگوی واحد غربی نبود؛ متکثر بود. می‌شود یک رگه های اصول ثابتی

در آن پیدا کرد ولی به نظر من در کل الگوی ثابتی هم نبود از این جهت پس اصلا الگو نبود. آن قدر تغییر جهت ها در این حوزه زیاد است که حتی در خود غرب و به تبع آن امواج گفتمانی که عوض می شد سیاست جدیدی تجویز می شد.

۱/۱/۱/۲/۳/۱. غالب شدن جریان چپ گرا در دهه ۵۰ و ۶۰

زمانی جو چپ فکری غالب بود حتی الگوهای اقتصادی هم چپ شد و مثلا "اتانیزم" و دولت محوری از لحاظ اداره حکومت اصلا یک مدل بود. در دهه ۵۰ و ۶۰ اصلا هر حکومتی که بیشتر می توانست امورات را دولتی کند مثبت بود

۱/۱/۱/۲/۳/۲. غالب شدن جریان نولیبرالیسم و دولت های رفاه در غرب

بعدها، در اروپای غربی مثلا دولت رفاه به وجود آمد و سپس با نولیبرالیسم کلا الگوی توسعه غربی عوض شد.

۱/۱/۱/۲/۳/۳. لزوم داشتن الگوی اسلامی جهت متاثر نشدن از امواج تغییر در توسعه غربی

از این جهت هم ما می توانیم متوقع باشیم که برای تحت تاثیر قرار نگرفتن از امواج - که

عموما هم منشا آن ربطی به ما نداشته - باید الگوی اسلامی خودمان را داشته باشیم.

ج: همانطور که شما می فرمایید اگر بنایمان این باشد که به لحاظ تئوریک و نظری الگوهای توسعه غربی را بررسی کنیم باید حتما یک بررسی کتابخانه ای درستی انجام بشود.

۱/۲. وجود دو رویکرد نسبت به نقد توسعه غربی

اما در بحث نقد توسعه غربی، دو رویکرد هست.

۱/۲/۱. بحث های کتابخانه ای و نظری و بررسی اختلاف قرائت ها در بازه ی تاریخی به عنوان یک رویکرد نقد توسعه غربی و عدم پرداختن به آن در این بحث

یک رویکرد می رود سمت بحثهای کتابخانه ای و نظری که آن فضای خاص خودش را می خواهد که دو سه ترم دانشگاهی می خواهد که آن بحث ها را طبقه بندی کرد و مورد نقد قرار داد. حتی به لحاظ تاریخی هم الان که ما نشستیم داریم حرف می زنیم، اختلاف قرائتهایی در نحوه ایجاد توسعه وجود دارد، یعنی به لحاظ بازه تاریخی هم اینها تحول پیدا کردند. پس یک سمت بحث می رود به سمت بحثهای نظری که ما این را

ورود پیدا نکردیم یعنی الان بنایمان این نیست که در تبیین مسئله الگوی پیشرفت اسلامی این کار را انجام دهیم بلکه می‌خواهیم بگوییم این تنها راه نیست.

۱/۲/۲. بازخوانی تحولات ۲۰۰ سال گذشته حول برنامه ریزی‌های مبنی بر توسعه در قبل از انقلاب و پس از آن تا به الان

راه دیگری برای نقد هست که شما تحولات ۲۰۰ سال اخیر را بازخوانی کنید بالاخره دولت‌هایی سرکار آمدند؛ از قبل انقلاب برنامه ریزی مدرن در کشور ما شروع شده، قبل از انقلاب بوده الان هم چند برنامه توسعه در کشور ما اجرا شده؛ اینها را بازخوانی کردن و بعد با آرمانها و با آن شرایط تاریخی ما سنجیدن یک راه است. بحث مهمی دیگری سوای این مسائل این است که قبل از اینکه ما وارد نقد توسعه غربی بشویم ابتدا بازخوانی کنیم ما چه می‌خواستیم یعنی من به هر حال فکر می‌کنم که خروجی بحث مشترک می‌شود.

۱/۳. بحث اثباتی و ایجابی به جای نقد توسعه غربی رویکرد دیگر نسبت به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی در نقشه راه الگوی پیشرفت

س: پس مبنای دید شما در موضوع نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت نقد توسعه غربی نبوده و با صبغه ایجابی به موضوع نگاه کردید؟

ج: به هر حال ما در این "نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت" از اینجا شروع کردیم.

۱/۳/۱. تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی زمینه ساز بحث نقد توسعه غربی برای رسیدن به اهداف اسلامی به عنوان اولین موضوع طرح شده در جدول گفتمان پیشرفت اسلامی

یعنی ابتدا جهت جمهوری اسلامی را تبیین کردیم بعد آن مطلب اثباتی را که ما به دنبالش بودیم و برای آن انقلاب کردیم وقتی تبیین شد آن وقت آن زمینه قضاوت آماده می‌شود که آیا با توسعه غربی ما به اهداف خود خواهیم رسید یا توسعه غربی برنامه ریزی ضدشاخص‌های ماست. از آغاز بحث، در مسئله تبیین الگوی پیشرفت اسلامی، جدول گفتمان پیشرفت اسلامی طراحی شده است.

اولین مفهومی که در این جدول مطرح شده مسئله تبیین جهت جمهوری اسلامی است.

۱/۳/۱/۱. تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی به سه موضوع مبنا مراحل و موضوع انتقال

خوب! حالا جهت جمهوری اسلامی چیست؟ ما در این جدول به صورت خلاصه در سه سطر جهت را معنا کردیم؛ به نظر ما جهت عبارت است از تبیین مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال از هر مرحله به مرحله دیگر حرکت. یعنی اگر بتوان با استفاده از این سه مفهوم، یک تبیین آکادمیک صحیحی ارائه داد ما توانستیم جهت جمهوری اسلامی را تبیین کنیم که حالا من خیلی خلاصه گزارشی را خدمت شما ارائه می‌دهم.

۱/۳/۱/۱/۱/۱ لزوم تبیین درست مبنا برای
نخبگان و عامه مردم جهت شناخت دقیق
جهت حرکت انقلاب اسلامی

اگر بخواهیم جهت حرکت جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی را برای نخبگان و برای عامه مردم و مسئولین تبیین بکنیم ما ابتدا باید مبنای حرکتش را تبیین بکنیم؛

۱/۳/۱/۱/۱/۱ ایده محوری هر حرکت و
انگیزه به عنوان معنای مبنا

مبنای حرکت عبارت است از "ایده محوری" که حرکت و انگیزه از او و به خاطر تحقق او بوجود آمده است.

۱/۳/۱/۱/۱/۲ عدم تغییر مبنا در شرایط
مکانی و زمانی مختلف

هیچ شرایط زمانی و مکانی مبنای حرکت را تغییر نمی‌دهد ممکن است شرایط زمانی و مکانی مسیر رسیدن به آن را کند بکند ولی تغییر پیدا نمی‌کند. به هر حال مبنا عبارت است از آن ایده محوری که قابل تغییر نیست و نمیشود دست از آن برداشت. اگر مبنای یک حرکت تغییر کند معنایش این است که آن حرکت از بین رفته و به یک حرکت دیگری تبدیل شده است. بنابراین اگر ما به دنبال تبیین جهت حرکت نظام جمهوری اسلامی هستیم نیازمندیم مبنای حرکت و حیطه محوری حرکتی که شکل گرفته را تبیین کنیم.

۱/۳/۱/۱/۱/۳ تحقق شاخص های هویت
اسلامی و اقامه اسلام به عنوان مبنای حرکت
جمهوری اسلامی

در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، استنباط از ادبیات انقلاب این است که مبنای حرکت جمهوری اسلامی تحقق شاخصه های هویت اسلامی بوده است. یعنی از اولی که انقلاب شروع شده است انگیزه انقلابیون این بوده که اقامه اسلام بکنند و شاخصه های هویت اسلامی را محقق کنند.

۱/۳/۱/۱/۱/۴ عدم وجود متد جهت احراز
شاخص هویت اسلامی به عنوان محل
اختلاف بدون وجود ابهام در مبنا

به نظرم در بحث مبنا ابهامی نیست و نبوده. بلکه برای احراز هویت اسلامی همیشه شاخص ها محل اختلاف و ابهام بوده است. مثلا ما متدی نداشتیم که در آن شاخص ها را احراز کنیم؛

۱/۳/۱/۱/۱/۴/۱. مسئله ضریب جینی به عنوان مثالی از عدم وجود متد در محاسبه شاخص مهم عدالت

مثلا می دانیم با ضریب جینی نمی توان عدالت اقتصادی را اندازه گرفت. ما در شاخصه های احراز هویت مشکل داشتیم یعنی بعضی از شاخص ها را آمدم معادل چیزی گرفتیم که استحقاق آن را نداشته مثلا همان مثال ضریب جینی که خیلی نمی تواند شاخص عدالت باشد یا اصلا بحث های پیشرفت فرهنگی، کجای آمارهای ما دیده می شود؟ تعالی فرهنگی را چگونه می شود سنجید؟ بله همینطور است که حالا در بحث نقشه راه اتفاقا ما یکی از خلاءهای تحقق مبنایمان را نبود شاخص های اسلامی می دانیم.

به هر حال در برنامه ریزی نیاز به شاخص هایی داریم که راجع به آن هم توضیح می دهیم ولی الان ما اگر عنایت بفرمایید می خواهیم جهت جمهوری اسلامی را اجمالا توضیح بدهیم. در آن مقام تبیین جهت لازم نیست به تفصیل، شاخص های هویت اسلامی

را اسم ببریم، همین به اجمال بدانیم مبنای حرکت ما به دنبال تحقق شاخص های هویت اسلامی است؛ کفایت می کند.

۱/۳/۱/۱/۱/۵. وجود دو مبنای موثر دیگر بر روند حرکت اجتماعی ایران

برای اینکه این مبنا تبیین بیشتری پیدا کند لازم است ما دقت کنیم که دو مبنای دیگر در حرکت های اجتماعی ایران موثر بوده است. یعنی به صورت جامعه شناسی اگر مطالعه بفرمایید می بینیم حرکتها از دو مبنای دیگر هم متأثر بودند، در این سالهای گذشته از انقلاب ایران؛

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۱. مدرنیزاسیون و بومی سازی مدرنیته به عنوان مبنای جریان روشنفکری در ایران

یک مبنا، متعلق است به جریان روشنفکری که آنها هم به میزانی که در جامعه ایران حضور پیدا می کردند بنایشان بر این بوده است که فرایند مدرنیزاسیون را در ایران ایجاد کنند یعنی ایران را به سمت ارزش های مدرن سوق بدهند. اگر کسی بخواهد مبنا و ایده محوری جریان روشنفکری را تبیین کند به این می رسد که اینها به دنبال آوردن مدرنیته و بومی کردن مدرنیته در ایران بودند.

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۱/۱. در عرض بودن مبنای
روشنفکری با مبنای انقلاب اسلامی

خوب! این مبنا در واقع در عرض مبنای
انقلاب اسلامی عمل می کند یعنی سعی می
کند پتانسیل های اجتماعی را بر مبنای
فرمانبری از محوری دیگر هماهنگ کند.

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲. جریان اسلام سنتی به عنوان
مبنای دیگر موجود در جامعه ایران

یک مبنای دیگری هم در جامعه ایران منشأ
آثار هست آن هم مبنای جریان اسلام سنتی
است

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۱. استنباط شاخص های
هویت اسلامی و ابلاغ آن به عنوان مبنای
اسلام سنتی

که حیطة فعالیت خودش را به استنباط
شاخص های هویتی اسلامی و ابلاغ این
شاخصه ها محدود کرده است.

جریان اسلام سنتی شاخص های هویت
اسلامی را قبول دارد که بر مبنای حرکت
های اجتماعی باشند ولی برنامه ریزی برای
این که برود به سوی تحقق ، در دستور
کارش هیچ وقت نبوده است.

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۲. قائل بودن به حقانیت
بدون تحقق و فعلیت به عنوان اندیشه ی
حکومت گریز و سکولار جریان اسلام سنتی

آیا این نوعی سکولاریسم نیست؛ اینکه قائل
به قابلیت و حقانیت باشد اما به دنبال تحقق
و فعلیت نرود، نوعی حکومت گریزی و
اجتماع گریزی نیست؟ همانطور که عرض
کردم در طول تاریخ جریان اسلام سنتی، در
استنباط و تبلیغ فعالیت خودش را محدود
کرده است؛ حالا اینطور به تعبیر سکولاریزم
در عرف بین المللی آن نه!

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۳. برنامه ریزی برای تحقق
شاخص های هویت اسلامی به عنوان مبنای
انقلاب

ولی الان که ما داریم مبنای انقلاب را مطرح
می کنیم می گوییم مبنای انقلاب قائل به
این است که شاخص های هویت اسلامی
حتما باید به سمت تحقق اش حرکت کند،
یعنی برنامه ریزی باید باشد.

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۳/۱. مهیا نبودن ظرفیت
اجتماعی تحقق شاخص ها در ۲۰۰ سال
گذشته و تنها، امکان ابلاغ اجتماعی آن
ولی حالا از لحاظ تاریخی برگردید به ۲۰۰ -
۳۰۰ سال پیش ، ظرفیت اجتماعی بیش از
این مهیا نبوده است.

یعنی در حد اینکه استنباط صورت بگیرد و ابلاغ اجتماعی این شاخص ها انجام شود، بیشتر از این اصلا ظرفیت اجتماعی وجود نداشته است. اینکه مبنایی که متناسب با ظرفیت دوران گذشته است در شرایط فعلی که ظرفیت بالاتری از لحاظ اجتماعی هست بکار گرفته بشود ما این را مناسب نمی دانیم و اینها در دوره خودش ظرفیت بیش از آن نداشته اند و به قول معروف رسالت شان را انجام دادند.

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۱/۲. تقی زاده در گذشته و
حجاریان و سروش در حال حاضر به عنوان
مراجع ضمیر جریان روشنفکری در ایران

ممکن است مشخص بشود که مرجع ضمیر این بحث ها چیست؟ چون وقتی شما می فرمایید دو جریان در کنار حرکت انقلاب اسلامی است که یکی جریان روشنفکری و دیگری اسلام سنتی یکی واضح است و دیگری مبهم! چرا که فی المثل در بحث جریان روشنفکری من از لحاظ تاریخی از "تقی زاده" به ذهنم می آید و الان نیز به مروجان تغییر شکل داده اش؛ یعنی امثال "بشیریه" و "حجاریان" و "سروش" به ذهنم می آید

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۳. افرادی چون مدرس و
امیرکبیر از جمله افراد جریان هویت اسلامی

در مقابل جریان روشنفکری طی ۲۰۰ سال
گذشته و نه به عنوان جریان اسلام سنتی

ولی وقتی می فرمایید "اسلام سنتی" شاید
مخاطب خیلی نداند مرجع ضمیر کجاست؟

من می توانم جریان هویت انقلاب اسلامی را
از دویست سال پیش که موجهای به اصطلاح
مدرنیته به جامعه ایمانی و اسلامی ایران
حمله کردند رصد کنم. جریاناتی بودند که در
مقابل این موجهای مدرنیته قد علم کردند که
حالا نمونه های تاریخی اش معروف است؛ از
میرزای کبیر هست یا مرحوم شیخ فضل الله
هست؛ مرحوم مدرس هست و سایر علمای
بزرگ که حالا چند ده هزار نفرند

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۳/۱. جمع آوری اسامی افراد
جریان هویت اسلامی در دائره المعارف
چلچراغ های طاغوت شکن

که ما در حال جمع آوری اسامی اینها در
یک دائره المعارفی هستیم، فعلا تخمین اولیه
حدود ۷ جلد کتاب قطور است یک جلد از
آن هم به نام "چل چراغ های طاغوت شکن
منتشر شده است.

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۳/۲. جریان مقابل جریان
روشنفکری و مدرنیزاسیون طی ۲۰۰ سال
گذشته موسوم به جریان انقلاب اسلامی

مدرنیته طی ۲۰۰ سال گذشته به عنوان جریان غالب حوزه

س: یعنی شما جریان غالب در حوزه را
جریان انقلاب اسلامی به معنای معتقدین به
برنامه ریزی در برابر امواج مدرنیته می دانید؟
شما ریشه های این جریان را ۲۰۰ ساله می
دانید اما آیا این غالب شدن آنها در حوزه در
اثر انقلاب بود یا نه؟ ج: بله ما ریشه های
انقلاب را از ۲۰۰ سال پیش می دانیم به
مفهومی که در مقابله با تمدن مدرنیته
جمعی از فقها به این جمع بندی رسیدند.

۱/۳/۱۱/۱/۵/۲/۳/۱. تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی و حرکت های میرزا مسیح به عنوان نقطه عطف در جریان مقابله با مدرنیزاسیون در ایران

س: پس علی القاعده حرکت اول این جریان
را همان تحریم تنباکو و فتوای مرحوم
میرزای شیرازی در برابر قرارداد رژی می
دانید؟ ج: آن نقطه عطفی در این جریان است
ولی قبل از آن هم حرکت های میرزا مسیح
و جمعیت های دیگری هم قابل رصد هست و
اگر با این دوستان ما که مشغول تألیف همین
دائرة المعارف هستند یک مصاحبه ای صورت
بگیرد آنها نقطه آغاز را غیر از حرکت میرزای
شیرازی دیدند. یعنی مراجع که اتفاقاً در
مقابله با امواج مدرنیته و غرب گرایی خیلی

به هر حال می خواهیم بگوییم آن جریانی
که در ۲۰۰ سال گذشته به این نتیجه رسید
که باید مقابل موج های به اصطلاح مدرن
برنامه ریزی بکند و بعد در انتهای این جریان
۲۰۰ ساله تشکیل حکومت داد. این را ما
اسمش را "جریان انقلاب اسلامی" گذاشتیم

۱/۳/۱۱/۱/۵/۲/۳/۳. منشا گرفتن جریان انقلاب از دل حوزه علیرغم وجود رگه هایی از افراد معتقد به عدم لزوم برنامه ریزی جهت تحقق شاخص ها

جریان انقلاب اسلامی در واقع از دل خود
حوزه های علمیه برخاسته ولی کماکان یک
رگه هایی از همان اول تا الان در حوزه های
علمیه وجود دارد که هیچ وقت به ضرورت
برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت
اسلامی نرسیده و این رگه ها هست حالا
شناسایی شخصیت هایشان هم خیلی کار
سختی نیست. به هر حال می خواهیم بگوییم
حوزه های علمیه در جریان غالب به این
سمت گرایش پیدا کرده که ضرورت دارد
برنامه ریزی تحقق شاخص های هویت
اسلامی صورت بگیرد.

۱/۳/۱۱/۱/۵/۲/۳/۴. اعتقاد به وجود جریان انقلاب و معتقدین به برنامه ریزی در برابر

هم فعال هستند ولی به هر حال نقطه علنی درگیری با حرکت میرزای شیرازی هست و نقطه شروع قطعا قبل از آن بوده است.

۱/۳/۱/۱/۱/۵. مروری دوباره بر سه ایده محوری جامعه شناسی در ایران

خوب! پس اگر مطالعه بفرمایید سه ایده محوری به لحاظ جامعه شناسی در شرایط فعلی ایران موثر است، همان جریانی که خودش را از حد ابلاغ به حد برنامه ریزی جایز نمی داند یعنی اسلام سنتی، جریانی که برای برنامه ریزی ورود پیدا می کند ولی برنامه ریزی اش به محوریت ارزش های مدرن است یعنی جریان روشنفکری و این وسط جریان اسلام ناب است که همانطور که عرض کردم به دنبال تحقق شاخص های هویت اسلامی است.

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۳/۲. لزوم بررسی مزیت های جریان انقلاب اسلامی بر سایرین به وسیله مقایسه دائم سه مبنا

خوب! باید مقایسه ای دائم صورت بگیرد و بررسی ای صورت بگیرد که مزیت جریان انقلاب اسلامی این است که در واقع فقهایی تئوری پرداز آن هستند که زمان و مکان را بیشتر از هم دوره ای های خودشان

شناختند. ۲۰۰ سال هم هست که اینجوری بوده است؛

۱/۳/۱/۱/۱/۵/۳/۲/۱. واکاوی حادثه مشروطه و امضا کردن مشروطه توسط آخوند خراسانی و عدم پذیرش آن توسط صاحب عروه به عنوان تقابل دو اندیشه جریان انقلاب و اسلام سنتی

شما حادثه مشروطه را واکاوی کنید بزرگان حوزه علمیه نجف و عراق با حوزه تهران اختلاف داشته اند؛ مرحوم صاحب عروه ایشان حاضر نمی شود قانون اساسی را تأیید کند ولی مرحوم آخوند خراسانی امضا می کند. امروز هم مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی صاحب عروه از بزرگان حوزه هست که کتاب عروه الوثقی ایشان مبنا است و هم کفایه مرحوم آخوند. خوب! این اختلاف در نوع برخورد و مواجهه با مدرنیته به چه بر می گردد؟ اصل اختلاف از آن اول بوده است. به مرور که جلو آمدیم تحولات تاریخی جامعه شیعه را به این نتیجه رسانده است که آن دسته از فقهایی که برنامه ریزی در مقابل تمدن مدرن و مبنای حرکتشان تحول شاخص های هویت اسلامی است کارآمدتر هستند برای حفظ اسلام. به هر حال یک دعوای ۲۰۰ ساله ای است که به نظرم امروز در حوزه های علمیه غلبه با جمعیتی است

۱/۳/۱/۱/۲/۱/۱. گرفتن اختیارات حکومتی از غیر معتقدین به مبنای انقلاب اسلامی در سال ۵۷ به عنوان اولین مرحله

مرحله اول گرفتن اختیارات است از کسانی که معتقد به این مبنا نیستند که ما این را تعبیر می کنیم به انقلاب سیاسی سال ۵۷، یعنی در انقلاب سیاسی سال ۵۷ در واقع سلب اختیار شد از کسانی که معتقد به مبنای انقلاب نیستند؛ و کار به دست کسانی داده شد که معتقد به تحقق شاخص های هویت اسلامی هستند.

۱/۳/۱/۱/۲/۱/۲. تعریف شدن اجمالی از تحقق مبنای انقلاب اسلامی تحت عنوان نظام اسلامی به عنوان مرحله دوم

در مرحله دوم این حرکت و خواست عمومی ای را که برای تحقق مبنای نظام جمهوری اسلامی در جامعه ایران وجود داشت، تعریف اجمالی شد که شما ازش تعبیر میکنید به مرحله نظام اسلامی یعنی در واقع وقتی نظام جمهوری اسلامی مستقر شد و نام نظام شما تلقی شد به جمهوری اسلامی این معنایش این است که هویت تان را اجمالی تعریف کردید، نگذاشتید که دیگران هویتی را برای شما تعریف بکنند که واقعیت نداشت.

که مبنای انقلاب را پذیرفته اند. اگرچه جریان هایی هم در گوشه و کنار هم در حد ابلاغ خودشان را محدود دانستند، هیچ وقت در عرصه برنامه ریزی هم ورود پیدا نکردند. پس مبنای حرکت جمهوری اسلامی به طور خلاصه عبارتند از تحقق شاخص های هویت اسلامی.

۱/۳/۱/۱/۲. تبیین مراحل به عنوان محور دوم جهت حرکت انقلاب اسلامی و ذکر آن توسط مقام معظم رهبری

س: سیر خوبی برای اجماع کردن بر سر مبنای جمهوری اسلامی ارائه کردید. برای احراز هویت اسلامی، بعد از مبنا، از مراحل نام بردید؛ منظور از مراحل همان ۵ مرحله ای است که حضرت آقا تبیین فرمودند؟ یعنی همان مراحل؛ ۱- انقلاب اسلامی ۲- نظام اسلامی ۳- دولت اسلامی ۴- جامعه اسلامی و ۵- تمدن اسلامی؟

۱/۳/۱/۱/۲/۱. وجود ۵ مرحله جهت تحقق شاخص های هویت اسلامی

ج: بله! مبنای جمهوری اسلامی برای تحقق ایده خودش یعنی برای تحقق حرف اصلی خودش پنج مرحله تاریخی هم تعریف کرده؛ یعنی حرکتی که ما برای تحقق این مبنا می توانیم ترسیم کنیم در پنج مرحله است.

۱/۳/۱/۱/۲/۱/۲/۱. عدم مصادره هویت اسلامی
به دموکراتیک با تاکید امام بر کلمه جمهوری
اسلامی نه کلمه ای زیاد و کم و مشخص
شدن اهمیت این موضوع در بیداری اسلامی

اهمیت این مسئله الان که حادثه بیداری
اسلامی قابل رویت است مشخص می شود؛ در
انقلاب ما بلافاصله، پتانسیل های بسیج
کننده مردم برای حرکت ریشه هایش با
هویت اسلام تعریف شد. امام (ره) تاکید
داشتند که جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم
و نه یک کلمه زیاد. در حقیقت هویت انقلاب
اسلامی با اسامی چون جمهوری دموکراتیک،
مصادره نشد.

۱/۳/۱/۱/۲/۱/۲/۲. مصادره شدن انقلاب های
منطقه و تدوین قانون اساسی های به عنوان
یک معضل اصلی بیداری اسلامی

امروز یکی از مسائل و معضل های بیداری
اسلامی و انقلاب های منطقه، این است که
عده ای می خواهند حرکت را یک طور
دیگری تعریف کنند و به دنبال این هستند
که قانون اساسی هایی که از این انقلاب ها
بوجود می آید یک تعاریف دیگری بر آن
حاکم باشد.

۱/۳/۱/۱/۲/۱/۲/۳. تعریف هویت اجمالی
حرکت مبتنی بر مبنا طی این مرحله تحت
عنوان نظام اسلامی

پس بنابراین مرحله دیگری که پشت سر
گذاشتیم این بود که هویت اجمالی حرکت
خودمان یعنی حرکتی که مبتنی بر آن مبنا
بود را تعریف کردیم که از آن به مرحله نظام
اسلامی نام برده می شود.

۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳. توانمند سازی ساختارها
برای برنامه ریزی بر اساس مبنا به عنوان
مرحله سوم تحت عنوان دولت اسلامی

مرحله سوم عبارت است از توانمندسازی
ساختارها برای برنامه ریزی بر اساس مبنا؛ ما
در این مرحله هستیم که از این مرحله هم
تعبیر می کنیم به مرحله دولت اسلامی.

۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳/۱. عدم توان برنامه ریزی
برای تحقق شاخص های هویت اسلامی به
عنوان معضل مرحله دولت اسلامی

مشکل ما در مرحله دولت اسلامی چیست؟
چرا نتوانستیم به سرعت مراحل قبلی از آن
عبور کنیم؟ آیا مشکل فقط ریزش ها و
مشکلات فردی زمامداران دولتی است یا
مشکل ساختاری هم داریم؟ در گام سوم
حرکت انقلاب اسلامی برای تحقق مبنای
خودش ما با یک معضلی روبرو هستیم که

ساختارهایمان نمی توانند، نه که نمی خواهند، من تعبیرم دقیق است،

ساختارهایمان نمی توانند. یعنی توان برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی ندارند.

۱/۳/۱۱/۲/۱/۳/۱/۱
عدم قابلیت محاسبه شاخص عدالت به عنوان مثالی از توانمند نبودن ساختارها

من یک مثالی بزنم که مطلب شفاف بشود در اینجا؛ در زمان دولت نهم ما یک جلسات و مذاکراتی با مرکز آمار ایران داشتیم، در آنجا یک گفتگویی صورت گرفت بین ما و یکی از کارشناسان، آن آقای کارشناس می گفت که شعار این دولت عدالت است ولی من نمیتوانم محاسبه کنم که آیا عدالت افزایش پیدا کرده یا کم شده، محاسبه اش را بلد نیستم توان علمی اش را ندارم. می گفت عدالت شعار خوبی است من توان ندارم و همکارانم هم نمی توانند عدالت را محاسبه کنند. در واقع می گفت شما نحوه محاسبه عدالت را به ما نشان ندادید. مسئله توانمندی ساختارها، مسئله مهمی است. در برنامه ریزی اصل شاخص های هویت اسلامی پذیرفته شده است یعنی کارشناسانی که در وزارتخانه ها هستند این قطعی است از نظر ما که اینها از عدالت بدشان نمی آید، ولی چون ما

عدالت را تعریف نکردیم روش محاسبه اش را نداریم مشکل داریم.

۱/۳/۱۱/۲/۱/۳/۱/۲
نتیجه ی نبود روش محاسبه شاخص عدالت و پذیرفتن فاصله طبقاتی به عنوان معادله ی ضد عدالت به جای شاخص عدالت

فرض بفرمایید به فرمایش شما اینها می آیند مثلا از معادله ضریب جینی برای محاسبه عدالت استفاده می کنند، با اینکه ضریب جینی یک معادله است برای توزیع درآمد و توزیع درآمد فقط نسبت دارد با عدالت؛ یعنی عدالت یک مفهوم حتما حاکم و وسیع تری است از این مسئله. خوب! ما تعریف نکردیم عدالت را لذا وقتی حتی ما به آنها فشار می آوریم که می خواهیم عدالت را محقق کنیم می آیند ضریب جینی را مبنای محاسبه قرار می دهند و فاصله بین دهک ها را معیار قرار می دهند. با این کار، شما پذیرفتید جامعه ۱۰ دهک اقتصادی بشود وقتی این را پذیرفتید در واقع فاصله طبقاتی را پذیرفته اید؛ خوب یعنی اصل جوامعی که فاصله طبقاتی دارند را پذیرفتیم حالا می آییم می گوییم فاصله طبقاتی خیلی شدید نشود. می آیند این را با ضریب جینی محاسبه می کنند یعنی در واقع از یک

معادله ای که ضد عدالت است شما استفاده می کنید برای محاسبه عدالت.

۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳/۲. عدم انتقال به مرحله جامعه اسلامی از دولت اسلامی تا زمان توانمند سازی ساختارها جهت احراز هویت اسلامی

این به خاطر این است که شما توان برنامه ریزی برای شاخص های هویت اسلامی را در ساختار نظام ایجاد نکردید. مادامی که این توان را ایجاد نکنید شما به گام چهارم انقلاب که همان جامعه اسلامی است منتقل نمی شوید، یعنی در واقع مرحله بعد از مرحله دولت اسلامی، جامعه اسلامی است؛ آن مرحله موقعی است که ساختارهای شما توانمند شدند در برنامه ریزی برای مبنای جمهوری اسلامی. لذا به نسبتی که توانایی ایجاد شده شاخص های هویت اسلامی محقق شده، به همان مقدار جامعه تان اسلامی شده و انتقال مرحله ایجاد کردید.

۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳. جذب سایر ملل به مبنای حرکت انقلاب به عنوان مرحله چهارم و ورود به مرحله جامعه اسلامی

گام بعدی این است که مبنای حرکت جمهوری اسلامی حالا محقق شده، درخشندگی این تحقق و این برنامه ریزی

چشم دیگر ملت ها را جذب کند و شما وارد مرحله تمدن اسلامی و مرحله امت اسلامی می شوید.

۱/۳/۱/۱/۲/۱/۴. نسبت داشتن هر پنج مرحله با مبنای حرکت انقلاب از گرفتن اختیارات حکومتی تا معرفی مبنای به بقیه ملتها و حرکت قبل از ظهور

پس بنابراین هر پنج مرحله نسبتی دارند با مبنای جمهوری اسلامی و شما از گرفتن اختیارات شروع می کنید به معرفی مبنای حرکت جمهوری اسلامی به بقیه ملتها و مستضعفین عالم و حرکت قبل از ظهور، مراحل را ختم می کنید. تصویری که الان داریم این است.

۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳/۳. ۲۰ سال مدت مرحله توانمندسازی ساختارها به فرموده امام خامنه ای

س: پس ما به خاطر توانمند نشدن ساختارها در مرحله سوم یعنی دولت اسلامی توقف کرده ایم؟ الگوی اسلامی پیشرفت برای همین توانمندسازی ساختارها باید تبیین شود؟ ج: بله، در این سیر ما هنوز در مرحله توانمند سازی ساختارها هستیم به فرمایش امام خامنه ای ما در این مرحله حدوداً ۲۰ سال است هستیم.

۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳/۳/۱
**از مرحله دولت اسلامی و توانمند سازی
 ساختارها بر اساس مبنا و حل این مسئله در
 نقشه راه**

منتها دولت اسلامی را ما باید سعی کنیم
 تصویر درستی از آن ارائه کنیم؛ دولت
 اسلامی یعنی چی؟ ما در نقشه راهمان سعی
 کردیم این کار را انجام دهیم، به نظرمان
 مرحله دولت اسلامی مرحله توانمندسازی
 ساختارها برای تحقق مبنای جمهوری
 اسلامی است که حالا همه فضای نقشه راه ما
 در واقع چگونگی این توانمندسازی را تصویر
 میکند. یعنی نقشه راه الگوی اسلامی
 پیشرفت، چگونگی توانمندسازی ساختارها را
 برای برنامه ریزی بر مبنای جمهوری اسلامی
 تصویر می کند.

۱/۳/۱/۱/۲/۲
**مرحله برگرفته از فرموده های امام خامنه ای
 و تبیین بیشتر آنها**

خوب! پس جهت جمهوری اسلامی همانطور
 که عرض کردیم در سه سطح باید تبیین
 شود، یک سطح بحث مبنا بود که عرض
 کردیم تحقق شاخص های خوبی از الگوی
 پیشرفت اسلامی است، سطح دوم سطح
 مراحل تحقق این مبنا است که عرض کردیم.
 همه این موارد برگرفته از نظر آیت الله خامنه

ای در ۵ مرحله است و تصویر روشنی هم
 ایشان از این مراحل مشخص کردند که حالا
 ما سعی کردیم مسئله ایشان را تبیین
 کنیم. س: البته تفسیر و تحلیل خیلی خوبی
 بود از ۵ مرحله. آنچه شما گفتید تفسیر
 نظام مندی بود از مراحل پنجگانه که حضرت
 آقا فرموده اند... ج: علتش این است که
 مبنای حرکت جمهوری اسلامی در تفسیر
 مراحل دخیل است یعنی اگر شما توجه به
 مبنا کنید این مراحل درست معلوم می
 شوند. به هر حال موضوع اصلی کار ما در گام
 سوم مراحل است.

۱/۳/۱/۱/۳
**تبیین موضوعات انتقال به عنوان
 محور سوم از جهت حرکت انقلاب اسلامی و
 لازمه تحقق مبنای انقلاب اسلامی**

ما الان داریم به این سمت حرکت می کنیم
 که موضوعات انتقال از هر مرحله به مرحله
 بعد را شناسایی کنیم. من این را عرض می
 کنم از هر مرحله به مرحله بعدی یک
 "موضوع انتقال" داریم؛ بخاطر اینکه ما آن
 روزی شاخصه های هویت اسلامی را محقق
 می کنیم که برسیم به مرحله پنجم یعنی
 مرحله آخر.

۱/۳/۱/۱/۳/۱
**قابلیت تحقق مبنا در ۵ مرحله
 به دلیل عدم وجود ظرفیت در جامعه اسلامی
 در اوایل انقلاب**

یعنی شما می‌گویید مبنای جمهوری اسلامی در ۵ مرحله قابل تحقق است یعنی روز اول شما نمی‌توانید همه شاخص‌های هویت اسلامی را محقق کنید. یعنی روز اول جامعه اسلامی ظرفیت تحقق همه هویت اسلامی را ندارد. حالا که شما پذیرفتید در ۵ مرحله تاریخی هویت اسلامی به درک شما (فقها) عرض می‌کنم یعنی به درک تفقه ظاهری ما، این مبنا تحقق پیدا بکند پس معنایش این است که در هر مرحله ای یک سطر و یک قسمت از آن مبنا را می‌توانید محقق کنید

۱/۳/۱/۱/۳/۲. مشخص شدن اولویت‌های هر مرحله توسط موضوع انتقال هر مرحله و کمک به درک سیر مراحل

. موضوع انتقال به درک سیر مراحل کمک می‌کند؟ یا به عبارتی دیگر، موضوع انتقال در هر یک از مراحل، اولویت‌های سیر مراحل را مشخص می‌کند؟

۱/۳/۱/۱/۳/۳. عدم تحقق شاخص‌ها نتیجه‌ی عدم تمرکز بر موضوع انتقال و ظرفیت هر مرحله

مسئله این است که اگر در موضوع انتقال اشتباه کنیم و در آن بخشی که ظرفیت داریم متمرکز نشویم در آن صورت در برنامه

ریزی اجتماعی ضرر می‌کنیم. باید ببینید امروز چرا شاخص‌های هویت اسلامی به تمامی محقق نشده است. از یک طرف در موضوعی چون ظرفیتش را نداریم قطعا حتی اگر رویش دست بگذارید محقق نمی‌شود ولی مهم‌تر از این فرصت تان را می‌سوزانید برای تحقق همان بخشی که هنوز ظرفیتش هست.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱. اعتقاد به تحقق مبنا در ۵ مرحله نتیجه پذیرفتن عدم وجود ظرفیت تحقق آن در یک مرحله

معنای اینکه می‌گوییم شاخص‌های هویت اسلامی که مبنای ما است، در ۵ مرحله محقق می‌شود؛ معنایش این است که پذیرفتیم به صورت منطقی و عقلانی که ظرفیت تحقق همه مبنا در یک مرحله وجود ندارد پس طبیعتا بحث موضوع انتقال و اولویت مطرح می‌شود. باید یک مرحله ای را کامل کنیم بعد گام بعدی را برداریم و بعد در ۵ مرحله آن هدف نهایی را محقق کنیم. پس موضوع انتقال مراحل، با توجه به ظرفیت‌ها و اقتضائات هر مرحله تعیین می‌شود؟ تلقی شما از موضوع انتقال همین است؟ موضوع انتقال در واقع معنایش این است که فی‌المثل شما در مرحله انقلاب اسلامی هستید تا مرحله نظام اسلامی چقدر از مبنا را می

توانید محقق کنید، همان قدر را شناسایی کنید موضوع اصلی تان را محقق کردن همان بخش قرار دهید؛ چرا؟ چون همان بخش را می توانید محقق کنید. ظرفیت انسانی شما در همان حد توجیه است و برای همان قدر قدرت دارد.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱/۱. تبیین مومن بودن مردم به اسلام معرفی شده از روحانیت در جامعه امروز در سخنان رهبری به عنوان مثالی از ظرفیت موجود در جامعه

یک فرازی در صحبت های آیت الله خامنه ای وجود دارد که این بحث را تبیین می کند؛ حضرت آقا می فرمایند مردم ایران مومن هستند ولی مومن به اسلامی که می شناسند. یعنی روحانیت ما و مجموعه جامعه شیعه ما هنوز موفق نشدیم هم در مرحله استنباط هم در مرحله معرفی، اسلام را همانطور که هست بشناسیم. ولی همان قدری را که شناختیم مردم به آن مومن هستند و پایبند هستند.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱/۲. ظرفیت تشکیل حکومت اسلامی در مرحله انقلاب و نداشتن ظرفیت تحقق ساختارهای اسلامی دیگر

حالا شما در واقع دارید یک حرفی شبیه فرمایش امام خامنه ای را در مرحله موضوع

انتقال می زنید، می گویند که زمانی که شما در مرحله انقلاب اسلامی هستید فقط می توانید الان حکومت اسلامی را مستقر کنید ولی نمی توانید مثلاً ربا را بردارید، نمی توانید ساختارهای دیگر اسلامی را همان روز محقق کنید. ولی بالاخره تشکیل حکومت اسلامی بخشی از هویت اسلامی است.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۴. چگونگی تشکیل حکومت به عنوان موضوع انتقال مرحله نظام اسلامی

ما ظرفیت تشکیل حکومت را داریم، پس بنابراین بعد از مرحله انقلاب اسلامی مرحله نظام اسلامی اولویت اصلی ما است و موضوع انتقال چگونگی برنامه ریزی برای تشکیل حکومت باید باشد. در این مسیر، یک کسی بیاید به همین بهانه ای که ما مبنایمان هویت اسلامی است ما را فرا بخواند به یک مرحله ای که ظرفیت اش را نداریم و مثلاً کارهایی انجام دهد که مربوط به مرحله ۲۰ سال بعد است، ثمری نخواهد داشت.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۴/۱. اعتقاد به تولید الگوی

پیشرفت بدون توجه به ظرفیت اجرای آن در مرحله لنقلاب به عنوان مثالی از عدم توجه به موضوعات انتقال

مثلاً فرض بفرمایید در فاصله سال ۴۹ تا ۵۷ یک جمعیت هایی بودند که می گفتند الان

الگوهای پیشرفت اسلامی باید تولید شود، دقت کنید در آن زمان هنوز ما حکومت تشکیل نداده بودیم، ولی آن ها این موضوع را مطرح می کردند، خوب طبیعتاً این موضوع در درک و ظرفیت مردم نبود و اگر هم درکش می کردند نمی شد بدون تشکیل حکومت انجام شود و ابزار اجرایش نبود، نیروی انسانی اش را نداشتیم، اصلاً فکرش تبیین نشده بود؛

پس بنابراین مسئله موضوع انتقال که ما عرض کردیم مسئله مهمی است. موضوع انتقال یعنی محاسبه آن مقدار از مبنا که الان ظرفیت تحقق اش وجود دارد.

۱/۳/۱۱/۳/۳/۱/۳. از بین رفتن ظرفیت

تحقق مبنا و شعارزدگی جامعه نتیجه تقاضای تحقق مبنا اضافه بر ظرفیت جامعه

اگر شما این محاسبه را اشتباه انجام دهید و بیاید اضافه بر ظرفیت تقاضای تحقق مبنا را بکنید معنایش این است که هم فرصت آن مقدار قابل تحقق را از بین بردید، هم جامعه را دچار یک حالت شعارزدگی کردید؛ چون این تحقق قطعاً پیدا نخواهد کرد با شعار شما، نتیجه این اشتباه آن است که جامعه را به این نتیجه می رسانید که ما حرکت کردیم ولی نشد یعنی جامعه را دچار حالت ناامیدی می کنید؛ به مردم گفتید بیاید در صحنه

فلان چیز را محقق کنیم، چون ظرفیت و زمینه اش نیست محقق نمی شود و مردم نسبت به اصل مبنا دچار تزلزل می شوند.

۱/۳/۱۱/۳/۳/۱/۴. موضوع انتقال به عنوان علت انتقال هر مرحله و عدم درک آن توسط عده ای از نیروهای انقلاب

لذا ما در نقشه راه گفتیم که تشخیص موضوع انتقال علت انتقال می شود و متأسفانه جمعی از نیروهای انقلاب در تشخیص موضوع انتقال دچار مشکل اند. به همان میزان که دچار مشکل اند انتقال ما هم دچار مشکل می شود به مرحله بعد، یعنی در واقع چون پتانسیل اجتماعی اش را نداریم همه باید فعالیت بکنند تا آن ابزار قابل تحقق که ظرفیت تحقق اش هست تحقق پیدا کند. نیروها رفتند یک جای دیگری ایستادند، روی یک مسئله دیگری ایستادند.

۱/۳/۱۱/۳/۳/۱/۵. مصادره نشدن حکومت

اسلامی به سایر حکومت ها در نتیجه تبیین تئوری ولایت فقیه توسط حضرت امام و گسترش آن توسط نیروهای انقلابی به عنوان مثالی از درک موضوع انتقال هر مرحله

س: برای ملموس شدن بحث باید مثال بزنید که کجاها این موضوع انتقال درک نشد؛ این را با یک مثال توضیح بدهید؟ ج: بله ببینید

در فاصله سال ۴۲ تا ۵۷ مرحله انقلاب اسلامی هست دیگر، در این فاصله انقلاب پیروز شده؛ غیرمعتقدین به مبنا رفتند، حالا مرحله بعد از شما چیست؟ مرحله نظام اسلامی است. در آن مرحله حکومت شما به یک حکومت دموکراتیک تعریف نشده، نشد جمهوری دموکراتیک - این هم یک اعتقادی است - شد جمهوری اسلامی. این محصول تمرکز امام(ره) و نیروهای انقلاب برای تبیین آن جمله "اسلام خودش حکومت دارد" یا "تئوری ولایت فقیه" است. یعنی چون در فاصله بین مرحله انقلاب اسلامی و نظام اسلامی امام خمینی موضوع اصلی تکلیفشان را این قرار داده بودند که پدیده حکومت اسلامی و چگونگی اش را تبیین کند و ظرفیت ها را برای آن بسیج کند، این باعث شد که ما انتقال پیدا بکنیم به مرحله بعد.

۱/۳/۱۱/۳/۳/۱/۶. تبیین اختیارات فقیه توسط امام موجب انتقال جامعه از مرحله انقلاب به نظام اسلامی

اصلا ظرفیت تحقق بیش از آن وجود نداشت. اختیارات فقیه و مسئله حکومت اسلامی بخشی از هویت اسلامی است یعنی بخشی از مبنا است ولی همان بخش در آن سالها قابلیت تحقق داشت یعنی امام راحل عظیم الشان، بعد از مرحله انقلاب اسلامی را که

انجام دادند ما به سلامت منتقل شدیم به مرحله نظام اسلامی. یک علتش این است که امام تمرکز داشتند به تبیین پدیده حکومت اسلامی و تئوری ولایت فقیه.

۱/۳/۱۱/۳/۳/۱/۷. تبیین و جا انداختن مسئله ولایت فقیه توسط امام برای روحانیت موجب منحرف نشدن مبنای انقلاب توسط جریان روشنفکری

البته امام مسئله ولایت فقیه را برای اقشار مختلف، علی الاخصاص برای روحانیت از سال های دهه چهل تبیین کردند. لذا وقتی بحث جمهوری اسلامی مطرح شد تئوری مبنایی آن جا افتاده بود. بعد از انقلاب، تلاش هایی که روشنفکران و دیگران کردند منجر نشد که مسیر انقلاب منحرف بشود،

۱/۳/۱۱/۳/۳/۱/۷/۱. تلاش جریان روشنفکری برای محدود کردن اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی

حتی شما اگر فعالیتهای گروه های روشنفکری را در خبرگان قانون اساسی مطالعه کنید آنها حتی نتوانستند در قانون اساسی بندهایی را به نفع خودشان کاملا محقق کنند؛ البته فشارهایی که آوردند خوب باعث شد در قانون اساسی ما اختیارات فقیه

همه آن منعکس نشود اما به صورت کلی اصل ولایت فقیه گنجانده شد.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱/۷/۲. امکان بازنگری و تغییر قانون اساسی مصوب ۵۸ در مراحل بعدی

البته امام (ره) فرمودند بخشی از اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی گنجانده شده حالا یک سوالی پیش می آید که ما آیا در ادامه سیر این مراحل نیازی نداریم برگردیم و آن اختیاراتی که حضرت امام می گفتند را اضافه کنیم؟ در آن مسئله بازنگری قانون اساسی که حضرت آقا چندی پیش فرمودند امکان تغییرش هست بله در آن مرحله ممکن است ما برگردیم این مسائل را جبران کنیم. یعنی پس از قانون اساسی مصوب ۵۸ و تغییرات ۶۸ ممکن است چنین ضرورتی در جامعه ایجاد بشود. مهم این است که ما به موضوع انتقال متمرکز شویم.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۴. مروری دوباره بر مسئله ولایت فقیه به عنوان موضوع انتقال مرحله انقلاب به نظام اسلامی

پس موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی، مسئله ولایت فقیه بود که باید روی آن متمرکز می شدیم تا انتقال پیدا می کرد. با تمرکز به این موضوع

نظام مستقر شد یعنی ایجاد شد بالاخره در قانون اساسی مسائلی پذیرش شد

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۵. پایه گذاری و استقرار نظام اسلامی به وسیله در راس بودن جنگ تحمیلی به عنوان موضوع انتقال مرحله نظام اسلامی

ولی اینکه نظام اسلامی بتواند کارآمد بشود یعنی سرپای خودش بایستد، استقلال پیدا کند، وابستگی های شدیدی که از دوره پهلوی به جا مانده بود آنها را جبران کند و شما یک نظام مستقر داشته باشید که بتواند زندگی مردمش را اداره کند این مرحله باید انجام می شد. یعنی استقرار باید به انجام می رسید که بعد شما فرصت پیدا کنید که وارد مرحله دولت اسلامی شوید. این استقرار هم با در رأس امور قرار گرفتن جنگ محقق شد. یعنی اگر پدیده جنگ نبود ما ظرفیت اداره یک حکومت توسط نیروهای حزب الهی بدست نمی آوردیم یعنی پایه گذاری استقرار کشور به وسیله جنگ اتفاق افتاد.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۵/۱. کلید جمله جنگ در راس امور است توسط امام موجب استقرار نظام اسلامی و صادر شدن انقلاب و پذیرش آن یعنی به نظرم موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به دولت اسلامی با کلید جمله

"جنگ درراس امور است" اتفاق افتاد. بعدها تبیینی که امام فرمودند راجع به مسئله جنگ فرمودند جنگ برای ما یک نعمت بود و خواص آن را دیدیم. به نظر من از آن موقع بود که انقلاب صادر شد و از آن موقع بود که استقرار کشور پایه گذاری شد. پس بنابراین ما در گام دوم هم نظام اسلامی را به پذیرش رسانده ایم، ولی معنایش این نیست که الان می توانیم کشور را اداره کنیم؛

۱/۳/۱۱/۳/۳/۵/۲. ۸ سال جنگ موجب به رسمیت شناخته شدن ظرفیت و کارآمدی انقلاب و استقرار ظرفیت تکنولوژی کشور

۸ سال جنگ باعث شد که ما یک ظرفیتی را بدست بیاوریم، این کاری بود که باید انجام می دادیم و با تقدیر خدای متعال و مدیریت صحیح امام(ره) ما به این ظرفیت دست پیدا کردیم.

بعد از جنگ، به واقع ما مستقر شدیم؛ همه دنیا ظرفیت ما را به رسمیت شناخت و بعد از جنگ یک هویت عمومی و احساس عمومی ایجاد شد که نظام اسلامی کارآمد است. یعنی در ۲۰۰ سال گذشته هر جنگی اتفاق می افتاد یک بخشی از کشور جدا می شد ولی در دفاع مقدس یک وجب از خاکمان را هم از دست ندادیم. علاوه بر این ظرفیت

تکنولوژی کشور استقرارش آنجا پایه ریزی شد .

۱/۳/۱۱/۳/۳/۶. رحلت امام و امامت امام خامنه ای به عنوان ابتدای دوره دولت اسلامی

لذا با رحلت امام راحل عظیم الشان و آغاز امامت اجتماعی امام خامنه ای ما وارد دولت اسلامی شدیم یعنی توانستیم به تدریج طبق فرمایشات مقام معظم رهبری به ساختارهای کشور توجه کنیم.

۱/۳/۱۱/۳/۳/۶/۱. عنوان نمودن عدالت، حکمت، و مصلحت توسط امام خامنه ای و لزوم گفتمان سازی و توانمند سازی ساختارها در مرحله دولت اسلامی

اگر دقت کنید حضرت آقا در آن دوران، به عدالت، حفظ حکمت، عزت و مصلحت و مسائلی از این دست صحبت می کنند، ولی موضوع گفتمان سازی ایشان این نیست که حالا می خواهیم مردم را دعوت کنیم بیایند نظام تشکیل بدهند . بحث این بود که مردم را داریم بسیج می کنیم داریم راجع به تغییر ساختارها صحبت می کنیم یعنی رفتن به سمت همین توانمندسازی ساختاری برای تحقق مبنا، چون ما الان در این مرحله هستیم.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲. مرحله دولت اسلامی به جامعه اسلامی به عنوان مرحله کنونی انقلاب اسلامی و مسئله پیشرفت به عنوان موضوع انتقال این مرحله

از یک منظر، همینطور که قوام نظام اسلامی و علت انتقال نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی پدیده دفاع مقدس بود حالا قوام دولت اسلامی یعنی انتقال آن به مرحله جامعه اسلامی این هم باز یک موضوع انتقال دارد که مسئله پیشرفت اسلامی است. یعنی شما در واقع چطور می گویند که نظام اسلامی آن موقعی استقرار واقعی پیدا کرد که ما از کوره دفاع مقدس عبور کردیم و آن را در راس امور خودمان قرار دادیم. دفاع مقدس زمینه استقرار نظام را در عالم ایجاد کرد، هم در درون و هم در بیرون. الان هم ما در مرحله انتقال به جامعه اسلامی از مرحله دولت اسلامی هستیم.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۱. لزوم تولید الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان موضوع انتقال مرحله دولت اسلامی

از این منظر، باید موضوع انتقال را شناسایی بکنیم که به نظر ما موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی، "تولید الگوی پیشرفت اسلامی" است. لذا تولید الگوی پیشرفت اسلامی که موضوع

انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی است عدل جنگ و عدل بحث ولایت فقیه اهمیت دارد. ما الان در مرحله دولت اسلامی هستیم و موضوع انتقال این مرحله که مرحله آینده را تبیین می کند، پیشرفت اسلامی است.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۲. تبیین جهت حرکت انقلاب به وسیله ارائه الگوی پیشرفت و عدم تبیین درست جهت به عنوان آسیب شرایط فعلی

اگر بتوانیم الگو ارائه دهیم در واقع توانسته ایم جهت حرکت جمهوری اسلامی را تبیین کنیم. آسیبی که ما داریم در شرایط فعلی این است که جهت جمهوری اسلامی خوب تبیین نمی شود. در حقیقت در بحث فهم مراحل دچار مشکل هستیم. اگر ما واقعا بخواهیم از مرحله دولت اسلامی انتقال پیدا کنیم باید تبیین الگوی اسلامی پیشرفت را در رأس برنامه هایمان قرار دهیم

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳. اهمیت بحث نقشه راه تولید الگو برای توانمند سازی ساختارها و بحث الگو به عنوان بحث اصلی توانمند سازی ساختارها

بحث نقشه راه برای تولید الگوی اسلامی پیشرفت، از آن جهت اهمیت دارد که موضوع

انتقال امروز است؟ اگر در یک کلمه از ما بپرسند که نقشه راه الگوی پیشرفت شما مسئله اش چیست، مسئله ما توانمندسازی ساختارهاست یعنی چگونگی توانمندسازی ساختارها را تبیین کردیم و در واقع وقتی شما از توانمندسازی ساختارها بحث می‌آورید دارید از الگوی اداره کشور به نحو جدیدی صحبت می‌کنید پس دارید از الگوی پیشرفت اسلامی صحبت می‌کنید.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۱
 بحث چگونگی توانمندسازی ساختارها در نقشه راه الگوی پیشرفت و تبیین و تحقق آن در سه مرحله از دولت اسلامی

از این جا به بعد همه بحث متمرکز است در تبیین چگونگی توانمندسازی ساختارها. ما در گام اول جدول توانمندسازی ساختارهای جمهوری اسلامی برای تحقق مبنا یعنی همین تولید الگو را در سه مرحله تبیین کردیم یعنی به نظرمان خود این مرحله سوم تکاملی انقلاب که شما اسمش را دولت اسلامی می‌گذارید خودش سه مرحله است؛

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۱
 ۲۲ سال گذشته از ابتدای امامت امام خامنه ای

یک مرحله توانمندسازی در ۲۲-۲۳ سال گذشته اتفاق افتاده یعنی امامت اجتماعی آیت الله خامنه ای از ابتدا تاکنون برای مرحله دولت اسلامی بوده است.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۲
 مرحله سوم دولت اسلامی در ۸ سال گذشته تحت عنوان دهه پیشرفت و عدالت و استفاده عمدی رهبری از کلمه پیشرفت به جای توسعه

از طرف دیگر از هفت هشت سال پیش به این طرف، مرحله سوم دولت اسلامی بوده است. یعنی از زمانی که دهه را آقا به نام دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری کردند و فرمودند که من متعمدا کلمه توسعه را بکار نمی‌برم و با دقت کلمه پیشرفت را انتخاب کردم.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۳
 پیشرفت به فرموده آقا به عنوان مرحله دوم و به نام دوره تکامل در نقشه راه

از نظر ما همان فرمایش معروف حضرت آقا و این که پیشرفت باید تبیین شود، مرحله دوم است. در همین مسیر یک برنامه ای هم به نام تکامل، در داخل نقشه راه، نامگذاری کردیم.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۱
 مصوب ۵۸ با تغییرات ۶۸ عنوان مرحله اول و طی شده دولت اسلامی

مرحله اول دولت اسلامی را عنوانش را گذاشته ایم قانون اساسی مصوب ۵۷ با تغییرات ۶۸، یعنی بالاخره در قانون اساسی فعلی ما یک نحوه اسلامیت تئوریزه شده، مبنا قرار گرفته؛ خوب این یک مرحله ای است که ما طی کردیم برای احراز دولت اسلامی.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۲. قانون اساسی متأثر از الگوی پیشرفت و مبین روابط ساختاری آینده از راه های توانمند سازی ساختارها

آیا شما در نقشه راه خود، توانمندسازی ساختاری قوانین را هم لحاظ کرده اید؟ یعنی همان بحثی که حضرت آقا فرمودند باید در محاسن و معایب ساختارهای فعلی بحث شود تا در آینده شاید لازم باشد، تغییری ایجاد شود؟ در آینده بحث تغییر قانون اساسی بحث احتمالی است. محورهای نقشه راهی که ما پیشنهاد دادیم این بود که قانون اساسی آینده باید متأثر از الگوی پیشرفت اسلامی باشد و قانون اساسی ای باشد که مبین روابط ساختاری آینده ما باشد که ما اسم آن را تعبیر کردیم به قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۳. قانون اساسی انقلاب فرهنگی به عنوان قانون اساسی دوره تکامل

یک قانون اساسی هم برای تکامل دولت اسلامی پیشنهاد دادیم که ازش تعبیر کردیم به قانون اساسی انقلاب فرهنگی.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۴. تئوریزه کردن روابط ساختاری متناسب با تحول در دانشگاه و حوزه در دوره تکامل انقلاب

یعنی موقعی که تحول در حوزه و تحول در دانشگاه استارت خورد بعد باید روابط ساختاری متناسب با آن تحول را تئوریزه کنید و از آن یک اصول حقوقی بیرون آورید.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲. رسیدن به پیشرفت اسلامی به وسیله توسعه غربی به عنوان اصل موجود در مرحله کنونی نقشه راه

س: الان ما در چه مرحله ای از این نقشه راه قرار داریم؟ ما در این مرحله هستیم که کشور به این جمع بندی رسیده که با بکارگیری توسعه غربی و مفاهیم توسعه غربی نمی شود به پیشرفت اسلامی و احراز هویت اسلامی رسید. بحث توسعه هم رشته بین بخشی است یعنی جامعه شناسی، مدیریت، اقتصاد مولفه های اصلی است. در همه این موارد تحقق شاخص های اسلامی با مولفه های توسعه غربی ممکن نیست.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۱ جهانی بر مبنای هزار شاخص توسعه غربی بدون شاخص های عدالت و خانواده

اخیرا گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۲ را که مطالعه می کردیم دیدیم هزار تا شاخص دارد در ۶ بخش. این هزار شاخص دارد برنامه ریزی می کند بر مبنای توسعه غربی. مثلا فرض بفرمایید شاخص های خانواده در این هزار شاخص دیده نشده و شاخص های مربوط به عدالت؛

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۲ شاخص اسلامی و جدید بدون نیاز به استفاده از شاخص های غربی

حالا اگر بخواهیم تعارض هایش را با پیشرفت اسلامی بگوییم خیلی زیاد است. به نظرم اگر با یک دقت کارشناسی نگاه کنیم ما اصلا نیاز به یک پکیج شاخص جدید داریم حتی نمی توانیم از شاخص های آن ها گزینش هم کنیم. اما یک وقت اضطرار هست آن یک فضای دیگری دارد.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۳ شاخص های غربی از جمله شاخص فراوانی موبایل با مبانی اسلامی

فرض بفرمایید مثلا در شاخص های فرهنگ که مثلا شاخص فراوانی موبایل را یا استفاده

خانگی از اینترنت را مورد اشاره قرار می دهد با مبنای ما خیلی فاصله دارد. اگر این شاخص ها را بعنوان شاخص های بخش فرهنگ معرفی کرده. واقعا به جایی نمی رسیم ما اینجا نمی توانیم بگوییم به هر میزان استفاده از اینترنت محقق می شود ما توسعه یافته تریم.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۴ مبنای برنامه ریزی در ایران و تلاش کارشناسان در وزارتخانه ها جهت تحقق این شاخص ها

به هر حال بحث شاخص ها اساسی است چرا که در یک کلمه WDI الان مبنای برنامه ریزی است در کشور یعنی کارشناسان ما در وزارت ارتباطات و سایر وزارتخانه هایمان سعی می کنند برای تحقق آن شاخصه ها برنامه ریزی کنند و آن روابط محاسباتی و جداول اطلاعاتی اش هم موجود است.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۵ ساختارها برای حرکت در جهت شاخص های هویت اسلامی و لزوم ارائه پکیج شاخص ها و گزارش سالیانه جهت تبیین شاخص های هویت اسلامی

یعنی برای تحقق توسعه غربی شاخص ها توانمند هستند برای رسیدن به آن سمت.

خوب ما اگر بخواهیم برویم برای توانمندسازی ساختارها در دولت اسلامی حرکت کنیم، یکی از نیازهایمان این است که باید یک گزارش‌های سالیانه ای داشته باشیم که شاخص‌های هویت اسلامی چیست که جایش امروزه در برنامه ریزی خالی است. س: آیا شما موفق شده اید پکیج شاخص‌های پیشرفت اسلامی را تبیین کنید؟ ج: شاید تا سال آینده موفق بشویم اولین نسخه اش را منتشر کنیم و روش محاسباتی اش هم کنارش باشد یعنی فقط شاخص کفایت نمی کند

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۵/۱. شاخص خانواده به عنوان یکی از شاخص‌های هویت اسلامی و لزوم ارائه به همراه روش محاسبه این شاخص

برای برنامه ریزی بلکه شما باید بیایید بگویند مثلا شاخص هویت اسلامی خانواده است ولی خودش یک پکیج و بسته شاخص است و روش محاسبه اش را هم باید درونش ارائه داد.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۶. لزوم انتشار شاخص‌های هویت اسلامی به همراه روش محاسبه شان جهت جلوگیری از استعمال شاخص‌های توسعه غربی

پس حتما شما یکی از نیازهایی که برای توانمندسازی ساختارها دارید همین انتشار شاخص‌های هویت اسلامی است. مادامی که این شاخص‌های هویت اسلامی و روش محاسبه اش را منتشر نکنید شما مجبور می شوید آن روش‌هایی را از اقتصاد غرب و ادبیات توسعه‌گرینش کنید که کم ضررتر باشند نسبت به شاخص‌های شما،

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۶/۱. یارانه مستقیم روشی نزدیک به عدالت و جدا از شاخص‌های غربی به عنوان مثالی از حرکتی کند به سمت تحقق شاخص اسلامی عدالت

یعنی شما یک درک اجمالی دارید. در واقع مثلا فرض کنید در مسئله عدالت، عدالت را یک درک اجمالی از آن داریم حالا قبلا از سیستم یارانه غیر مستقیم استفاده می کردیم می گفتیم این به عدالت نزدیک تر است، حال می گوئیم یارانه مستقیم بهتر است. اصلا پایه بحث یارانه‌های غیر مستقیم غربی بوده و مبنای علمی اش که الان هست را ما تولیدش نکردیم؛ الان که یارانه مستقیم می دهیم هم غربی است. ولی به هر حال جمع بندی مسئولین و کارشناسان کشور این بود که این روش به عدالت نزدیک تر است. البته به هر حال الان حرکت کشور به سمت شاخص‌های هویت اسلامی قفل نیست ولی

خیلی کند است، شما مجبورید از یک سری روابطی که در مفاهیمی غربی تعریف شده کم ضرر تر آن را گزینش کنید. اینجا منشا اختلاف می شود یک عده ای موافق اند، یک عده ای مخالف اند.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۶/۲ انتشار شاخص

های هویت اسلامی به عنوان راه اصلی تبیین
تفصیلی پیشرفت به جای توسعه غربی

راه اصلی این است که بروید سراغ همان منتشر کردن شاخص های هویت اسلامی و روش محاسبه اش را ارائه دهید. در همین زمینه ما سعی کردیم برای گام توانمندسازی ساختارها، تبیین تفصیلی درباره مفهوم پیشرفت بجای مفهوم توسعه را ارائه بدهیم.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷/۲۷ ماموریت

پیشنهادی نقشه راه جهت توانمندسازی
ساختارها

لذا اگر درباره نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مطالعه دقیقی صورت بگیرد ۲۷ ماموریت پیشنهاد شده که عمل به آنها یک قدم ساختارها را توانمندتر می کند.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷/۱۱ نوشتن برنامه و

پیشنهاد سیاست کلان بر اساس الگو و
پیوست آن به دو سند چشم انداز باقیمانده

به عنوان نسبت نقشه راه با چشم انداز ۲۰
ساله

س: نسبت این نقشه راه با چشم انداز بیست ساله چیست؟ ج: ببینید چشم اندازی که شما می فرمایید چشم اندازی هست که افق حرکت است، ما اگر بخواهیم بر اساس برنامه هایی که برای پیشرفت اسلامی می نویسیم و برای توسعه کشور مرسوم هست، برنامه بنویسیم؛ می توانیم در دو برنامه باقیمانده چشم انداز بر اساس الگوی خودمان سیاست های کلان پیشنهاد بدهیم. در حقیقت می توانیم تخصیص ها را در ۵ سال آینده عوض کنیم.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷/۲۷ هویت اسلامی

الهام بخش در جهان اسلام که مورد توجه
نبوده و ایران کشور توسعه یافته به عنوان دو
عبارت در سند چشم انداز

بالاخره سند چشم انداز دو عبارت در آن است؛ یکی عبارت " با هویت اسلامی الهام بخش در جهان اسلام است"، این بخشش هیچ وقت مورد برنامه ریزی قرار نگرفت یعنی در اسنادی که بعضی از نهادها تولید کردند همان بخش اولش که عبارت " ایران کشور توسعه یافته است" مورد توجه واقع شده است.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷/۳. تنظیم سند

پیشنهادی مجمع تشخیص و برگزاری
همایش سیاست خارجی توسعه گرا بر اساس
توسعه

این سند پیشنهادی مجمع تشخیص بوده و
ما با مطالعاتی که در اسناد مجمع تشخیص
داریم حتی همایش مهمی در مجمع
تشخیص برگزار شد تحت عنوان "سیاست
خارجی توسعه گرا" خوب حتی در آن
همایش هم آمدند پیشنهاد دادند که ما به
محوریت ایجاد توسعه روابط خارجی مان را
تعریف می کنیم.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷/۴. اصلاح سند

پیشنهادی مجمع تشخیص و اضافه نمودن
عبارت ایران الهام بخش جهان اسلام توسط
امام خامنه ای

خوب آن قسمت سند چشم انداز کاملا
مخالف این بود. معلوم است که حضرت آیت
الله خامنه ای سند پیشنهادی مجمع
تشخیص را اصلاح کردند و "ایران کشوری
است با هویت اسلامی و الهام بخش در جهان
اسلام" را اضافه نمودند.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷/۵. اضافه نمودن

عبارت مورد نظر جهت تغییر تعریف سیاست

توسعه گرا به وسیله ارائه پیشنهادات در
برنامه های کلان توسط نقشه راه

س: عبارت " هویت اسلامی و الهام بخش در
جهان اسلام " با تعریف سیاست توسعه گرا
هم خوان نیست...ج: بله در واقع معنای
"توسعه" را تغییر می دهد. خوب حالا ما می
آییم برای تحقق چنین سندی به این معنا
که ما عرض کردیم می توانیم دو برنامه بعدی
را در جهت برنامه های کلان پیشنهاد بدهیم،

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۸. اهمیت توانمند

سازی ساختارها و نسبت آن با مرحله فعلی
تکامل انقلاب و پاسخ به این مسائل توسط
برنامه نویسان توسعه گرا

ولی به هر حال مسئله اصلی آن نیست که
ما حضور پیدا کنیم در فضای برنامه ریزی
کشور یا نکنیم بلکه بعد اجتماعی موضوع
مهم است یعنی کسانی که برنامه های توسعه
را الان در کشور می نویسند باید پاسخ بدهند
که نسبتش به مرحله فعلی تکامل انقلاب که
توانمندسازی ساختارهاست چیست؟ یعنی
چقدر در این دوره ها ساختارهای ما توانمند
شده اند. ببینید

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۸/۱. انحلال سازمان

مدیریت برنامه در دولت احمدی نژاد به

عنوان برخورد مناسب با برنامه ریزی بر مبنای توسعه

مثلا فرض بفرمایید در دولت آقای احمدی نژاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور منحل شد، خوب این یعنی یک برخوردی در نحوه برنامه ریزی کشور صورت گرفت ولی باید بررسی شود چه چیزی جایگزین شد؛

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۸/۲. لزوم طراحی

جایگزین ساختارها جهت خروج از برنامه ریزی مدرن و جلوگیری از خطر معکوس شدن آن ها و برگشت به ساختار های قبلی

مثلا می شد با یک مطالعه علمی راجع به سفرهای استانی ما بتوانیم یک نحوه برنامه ریزی غیر متمرکز را تولید کنیم و به آن شانیت بدهیم ولی نشد. این اتفاق نیفتاد یک حرکتیایی صورت گرفت به سمت اینکه دولت از ساختارهای ما از وضعیت برنامه ریزی مدرن خارج شود ولی چون جایگزینش نیامد و طراحی نشد حرکت متوقف بوده و حتی خطر معکوس بودنش وجود دارد که ما دوباره برگردیم به همان ساختارهای قبلی.

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۸/۳. لزوم بررسی

موارد متحول کننده ساختار آموزش و پرورش جهت تحول در تربیت بر اساس شاخص های الگوی پیشرفت

یا مثلا یک حرکت هایی در راستای تحول در آموزش و پرورش صورت گرفت، باید ارزیابی کنیم که تحول فعلی تربیت بر اساس شاخص های الگوی پیشرفت اسلامی تقویت میکند یا تقویت نمی کند .

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۸/۳. لزوم پاسخ به

راهکارها جهت توانمند سازی ساختارها متناسب با مبنا توسط کاندیدهای ریاست جمهوری

حتی ما به نظرم کارنامه خوانی هایی که از کاندیداهای بعدی ریاست جمهوری نیروهای انقلاب انجام می دهند باید در این راستا باشد، یعنی نامزدها جواب این مسئله را بدهند که چه برنامه ای برای توانمندشدن ساختارهای جمهوری اسلامی دارند؟ در واقع بخشی از سرفصل های برنامه های کاندیداهای ریاست جمهوری باید به این اختصاص پیدا کند که تغییرات ساختاری متناسب با مبنای جمهوری اسلامی را ایجاد کند. اینها همه قابل مطالبه است .

۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۸/۳/۱. لزوم ارائه

چگونگی درک از دولت اسلامی و توانمندسازی ساختارها علاوه بر قبول حکم حکومتی ولی فقیه به عنوان معیار اصلحیت کاندیدها و تبیین این موضوع در نقشه راه

یعنی مثلاً وقتی می‌خواهند بگویند یک کاندیدا اصلح است کفایت به این نکنند که آن کاندیدا قبول داشته باشد حکم حکومتی ولی فقیه را، این اصلاً معیار خوبی نیست یعنی یک چیزی پایین تر از حداقل اصلحیت است؛ حتماً باید حکم حکومتی را قبول داشته باشند ولی باید افراد درک خودشان را از چگونگی ایجاد دولت اسلامی ارائه بدهند. س: خیلی نکته جالبی است، یعنی اگر سطح توقع خودمان از مسئولین ارشد را اینجا قرار دهیم، ما خیلی از مشکلات بعدی را نداریم چه در مسائل سیاسی چه در مسائل مدیریتی. به هر حال قبول دارم اگر ما این مبنا را قبول نکنیم خیلی از مسائل حل میشود...ج: بله حالا یکی از خانه های نقشه راه ما این بحث در انتخابات است، یعنی به نظر ما نیروهای انقلاب باید وارد بشوند بر اساس میزان توان تیم هایی که می‌خواهند بیایند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند و توان آنها را در دولت اسلامی و در توانمندی سازی ساختارهای بر آن مبنا ارزیابی کنند. خب من احساس می‌کنم که به صورت اجمالی ما نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی را توضیح دادیم و تبیین شد چرا ما نمی‌توانیم از ادبیات توسعه استفاده کنیم.

۱/۲. تبیین اجمالی از سه فعالیت اصلی

شورای راهبردی توسط دبیر شورا

س: جناب آقای کشوری یک اجمالی هم از فعالیت های خود در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی بفرمایید.ج: ما یک شورای مردمی داریم موسوم به شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی که این شورای راهبردی الگوی پیشرفت الان مشغول سه کار هست؛

۱/۲/۱. تبیین مسئله الگوی پیشرفت به

همراه تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی به

عنوان مکمل بحث، اولین وظیفه شورا

یکی تبیین همین مسئله الگوی پیشرفت اسلامی که حالا اینجا خلاصه اش را گزارش دادم که در واقع صحبت از الگوی پیشرفت اسلامی بدون صحبت از جهت جمهوری اسلامی صحبت ناقصی است.

۱/۲/۱/۱. عدم تسلط بر بحث جهت انقلاب و

ارائه الگوی توسعه غربی توسط افراد در

همایش ها منجر به ترسیم نادرست از مسیر

پیش روی انقلاب

متأسفانه با عرض تاسف این را بگویم برخی همایش هایی که برگزار می‌شود اگر شما بیانات عزیزان شرکت کننده در آن همایش ها را ملاحظه بفرمایید کاملاً مشهود است

اصلا مسئله مراحل جمهوری اسلامی را مسلط نیستند و در مورد توسعه صحبت می کنند، و حتی مسیر را از اول انقلاب اشتباه ترسیم می کنند. حتی واقعا اگر ما به دنبال توسعه باشیم این سی سال را اشتباهی آمديم یعنی ۳۰ سال حرکت انقلاب قطعا در راستای ایجاد توسعه نبوده ولی در راستای پیشرفت اسلامی بوده؛ حالا می بینید همایش برگزار می شود سخنران همایش یا مقاله ای که نوشته شده مع الاسف چگونگی ایجاد توسعه در ایران را بحث کرده، در همایشی که مربوط به الگوی پیشرفت اسلامی بوده یعنی اصلا جهت جمهوری اسلامی برایش جا نیفتاده است.

۱/۲/۱/۲. تبیین مسئله الگوی پیشرفت در نشست ها و کارگاه ها و طرح سوال خوب به عنوان نصف جواب

خوب حالا ما یک کاری داریم در شورای راهبردی همین مسئله را تبیین می کنیم یعنی ما در نشست و کارگاهها و همایش ها و گفتگوهایی که جاهای مختلف داریم سعی داریم که مسئله الگوی پیشرفت مسئله اش تبیین شود که فرمود اگر سوال خوب بپرسد نصف جواب را رفته اید، ..

۱/۲/۲. ارتباط با نهاد های نظام با محوریت های ماموریت های ۲۷ گانه به عنوان کار دوم شورا

یک کار دومی داریم به محوریت های ماموریت های ۲۷ گانه جدول با نهادهای نظام در حال ارتباط هستیم؛

۱/۲/۲/۱. پیشنهاد جهت توانمندسازی مجلس و روش تقنین مناسب بر مبنای انقلاب به عنوان یکی از ماموریت ها

یعنی ما پیشنهادی داریم برای توانمندسازی ساختار فعلی مجلس، یعنی پیشنهادی داریم که اگر عمل بشود روش تقنین در مجلس متناسب تر می شود با مبنای جمهوری اسلامی.

۱/۲/۲/۱/۱. پیشنهادات نقشه راه در راستای تقنین در سطح بالاتر اسلامیت بر مبنای انقلاب اسلامی

الان در روش تقنین فعلی قطعا قانونی که مخالف مبنای جمهوری اسلامی باشد تصویب نمی شود ولی سوال هست آیا که قوانینی که تصویب می شود در راستای تحقق شاخص های هویت اسلامی هم هست یا نه؟ این محل اشکال است؛ حالا ما یک پیشنهاداتی دادیم که ساختار مجلس ارتقا پیدا کند یعنی بجای اینکه کف اسلامیت را مبنای تقنین

قرار دهد با تغییرات ساختاری که پیشنهاد دادیم اگر مبنای عمل قرار بگیرد مجلس می تواند تقنین را در سطح بالاتری از اسلامیت مبنای برنامه ریزی خود قرار دهد؛ پس یک کار دومی هم داریم توانمندسازی بخشی به محوریت ماموریت های ۲۷ گانه جدول.

۱/۲/۳. پیشنهاد سیاست های کلان جهت کمتر متاثر شدن برنامه ششم توسعه از ادبیات توسعه به عنوان کار سوم شورا

یک کار سومی هم داریم که بر اساس نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی داریم در برنامه ششم اداری کشور که ان شاءالله امیدواریم برنامه ششم دیگر خیلی کمتر متاثر باشد از ادبیات توسعه و بیشتر متاثر باشد از پیشرفت اسلامی باشد، ما داریم سیاستهای کلانی پیشنهاد می کنیم؛

۱/۲/۴. تبیین سه کار اصلی شورا به صورت اجمالی و لزوم ارائه بسته سیاسی پیشنهادی به دفتر رهبری

این سه کار را ما مشغول هستیم یعنی نوشتن یک بسته سیاستی که قاعدتا باید پیشنهادش بدهیم به دفتر رهبر انقلاب برای تبیین مسئله یعنی برای برنامه بعدی، کار دوم ارتباط بخشی با نهادها کار فعلی مان که حالا بیشتر الان مشغول هستیم بحث همین

معرفی نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی است. یک نکته ای که شاید بحث را تکمیل کند و خیلی مهم است

۱/۲/۵. پرداختن نشریات و همایش ها به عنوان مدخلی جهت تبیین مسئله الگوی پیشرفت

شاید پرداختن نشریاتی مثل شما و توجه کردن به خروجی همایش هایی است که الان دارد در کشور برگزار می شود؛ حالا بدون اینکه من اسم ببرم تقریبا پنج جریان به صورت بریده یا دائمی مشغول مسئله الگوی پیشرفت اسلامی هستند. اگر بشود که بعدا اگر کسی گفتگو را خواند یا خود شما بعنوان برنامه ریزان این نشریه، توجه کنند که مسئله الگوی پیشرفت در این همایش ها تبیین می شود فارغ از اینکه چگونه تحقق پیدا کند.

۱/۲/۵/۱. اقدامات تبلیغاتی شورا مانعی برای دوباره کاری مایوس کننده و کسل و در مقابل سایر اقدامات غیر مبنایی سایر کارگروه ها

من به نظرم این توجه اگر اتفاق بیفتد ممکن است ما از یک دوباره کاری خیلی مایوس کننده و کسل کننده جلوگیری کنیم در کشور، یعنی آقایی آمد در صدا و سیما گزارش داد که ما الگوی پیشرفت اسلامی را

تولید کردیم، جالب بود که ایشان گفت ما تولید کردیم!! سایر مراکز می گویند که ما در حال تولید هستیم ، این آقا گفت ما تولید کردیم، بعد که بحث شد موشکافی کردیم دیدیم منظورشان یک الگویی مثل مالزی و ترکیه و از این دست است!!

۱/۲/۵/۱/۱ لزوم تامل بیشتر نیروهای حزب
اللهمی روی سخنان رهبر راجع به مسئله
پیشرفت اسلامی جهت دانستن لزوم شناخت
بیشتر توسعه و معایب آن

مع الاسف یک بخشی از بچه های حزب اللهمی هم همین طور هستند یعنی آنها هم خیلی حساسیتی روی مسئله توسعه ندارند و معایبش را نمی دانند لذا من به عنوان حرف آخر عرض می کنم که یک دور، بچه های حزب الله در مجموعه گفتار آیت الله خامنه ای در مسئله پیشرفت اسلامی مطالعه بکنند که کمک می کند به درک این مسئله. ۹۷۱/۱ پ ۲۰۱/ج

- ۱/ معرفی الگوی پیشرفت اسلامی از مدخل نقد مدل های توسعه
..... ۸
- ۱/۱. تبیین الگوی پیشرفت اسلامی برای داشتن زاویه دید بهتر نسبت به توسعه غربی..... ۸
- ۱/۱/۱. توجه به جهت حرکت انقلاب اسلامی لازمه ی تبیین زاویه دید به مسئله الگوی پیشرفت
..... ۸
- ۱/۱/۱/۱. عدم استفاده از الگوهای غربی به وسیله درک جهت حرکت انقلاب به عنوان اولین بحث
..... ۹
- ۱/۱/۱/۲. عدم استفاده از الگوهای غربی به وسیله بازخوانی ۲۰۰ سال گذشته انقلاب به عنوان
بحث دوم ۹
- ۱/۱/۱/۳. مرتبط بودن این دو بحث از لحاظ معنایی با هم ۱۰
- ۱/۱/۱/۲/۱. تجربه ۲۰۰ ساله به عنوان کارنامه روشن از عملکرد روشنفکران ۱۰
- ۱/۱/۱/۲/۲. روشن شدن نقاط ضعف و قوت در بازخوانی کارنامه ۲۰۰ ساله و وادار ساختن به ورود
به بحث الگوی پیشرفت اسلامی ۱۰
- ۱/۱/۱/۲/۳. متکثر بودن مفهوم توسعه غربی به اقتضای زمانی و منطقه ای در عین وجود رگه هایی
از اصول ثابت در آن ۱۱
- ۱/۱/۱/۲/۳/۱. غالب شدن جریان چپ گرا در دهه ۵۰ و ۶۰ ۱۱
- ۱/۱/۱/۲/۳/۲. غالب شدن جریان نولیبرالیسم و دولت های رفاه در غرب ۱۱
- ۱/۱/۱/۲/۳/۳. لزوم داشتن الگوی اسلامی جهت متاثر نشدن از امواج تغییر در توسعه غربی ۱۲
- ۱/۲. وجود دو رویکرد نسبت به نقد توسعه غربی ۱۲

- ۱/۲/۱. بحث های کتابخانه ای و نظری و بررسی اختلاف قرائت ها در بازه ی تاریخی به عنوان یک رویکرد نقد توسعه غربی و عدم پرداختن به آن در این بحث ۱۲
- ۱/۲/۲. بازخوانی تحولات ۲۰۰ سال گذشته حول برنامه ریزی های مبنی بر توسعه در قبل از انقلاب و پس از آن تا به الان ۱۳
- ۱/۳. بحث اثباتی و ایجابی به جای نقد توسعه غربی رویکرد دیگر نسبت به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی در نقشه راه الگوی پیشرفت ۱۳
- ۱/۳/۱. تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی زمینه ساز بحث نقد توسعه غربی برای رسیدن به اهداف اسلامی به عنوان اولین موضوع طرح شده در جدول گفتمان پیشرفت اسلامی ۱۴
- ۱/۳/۱/۱. تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی به سه موضوع مبنا مراحل و موضوع انتقال ۱۴
- ۱/۳/۱/۱/۱. لزوم تبیین درست مبنا برای نخبگان و عامه مردم جهت شناخت دقیق جهت حرکت انقلاب اسلامی ۱۵
- ۱/۳/۱/۱/۱/۱. ایده محوری هر حرکت و انگیزه به عنوان معنای مبنا ۱۵
- ۱/۳/۱/۱/۱/۲. عدم تغییر مبنا در شرایط مکانی و زمانی مختلف ۱۵
- ۱/۳/۱/۱/۱/۳. تحقق شاخص های هویت اسلامی و اقامه اسلام به عنوان مبنای حرکت جمهوری اسلامی ۱۶
- ۱/۳/۱/۱/۱/۴. عدم وجود متد جهت احراز شاخص هویت اسلامی به عنوان محل اختلاف بدون وجود ابهام در مبنا ۱۶
- ۱/۳/۱/۱/۱/۴/۱. مسئله ضریب جینی به عنوان مثالی از عدم وجود متد در محاسبه شاخص مهم عدالت ۱۶
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵. وجود دو مبنای موثر دیگر بر روند حرکت اجتماعی ایران ۱۷
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۱. مدرنیزاسیون و بومی سازی مدرنیته به عنوان مبنای جریان روشنفکری در ایران ۱۷

- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۱/۱. در عرض بودن مبنای روشنفکری با مبنای انقلاب اسلامی ۱۷
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲. جریان اسلام سنتی به عنوان مبنای دیگر موجود در جامعه ایران ۱۷
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۱. استنباط شاخص های هویت اسلامی و ابلاغ آن به عنوان مبنای اسلام سنتی..... ۱۸
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۲. قائل بودن به حقانیت بدون تحقق و فعلیت به عنوان اندیشه ی حکومت گریز و سکولار جریان اسلام سنتی ۱۸
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۳. برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی به عنوان مبنای انقلاب ۱۸
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۳/۱. مهیا نبودن ظرفیت اجتماعی تحقق شاخص ها در ۲۰۰ سال گذشته و تنها، امکان ابلاغ اجتماعی آن ۱۸
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۱/۲. تقی زاده در گذشته و حجاریان و سروش در حال حاضر به عنوان مراجع ضمیر جریان روشنفکری در ایران ۱۹
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۳. افرادی چون مدرس و امیرکبیر از جمله افراد جریان هویت اسلامی در مقابل جریان روشنفکری طی ۲۰۰ سال گذشته و نه به عنوان جریان اسلام سنتی ۱۹
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۳/۱. جمع آوری اسامی افراد جریان هویت اسلامی در دائره المعارف چلچراغ های طاغوت شکن ۲۰
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۳/۲. جریان مقابل جریان روشنفکری و مدرنیزاسیون طی ۲۰۰ سال گذشته موسوم به جریان انقلاب اسلامی ۲۰
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۳/۳. منشا گرفتن جریان انقلاب از دل حوزه علیرغم وجود رگه هایی از افراد معتقد به عدم لزوم برنامه ریزی جهت تحقق شاخص ها..... ۲۰
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۳/۴. اعتقاد به وجود جریان انقلاب و معتقدین به برنامه ریزی در برابر مدرنیته طی ۲۰۰ سال گذشته به عنوان جریان غالب حوزه ۲۱

- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۲/۳/۱. تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی و حرکت های میرزا مسیح به عنوان نقطه عطف در جریان مقابله با مدرنیزاسیون در ایران ۲۱
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵. مروری دوباره بر سه ایده محوری جامعه شناسی در ایران ۲۱
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۳/۲. لزوم بررسی مزیت های جریان انقلاب اسلامی بر سایرین به وسیله مقایسه دائم سه مبنا ۲۱
- ۱/۳/۱/۱/۱/۵/۳/۲/۱. واکاوی حادثه مشروطه و امضا کردن مشروطه توسط آخوند خراسانی و عدم پذیرش آن توسط صاحب عروه به عنوان تقابل دو اندیشه جریان انقلاب و اسلام سنتی ۲۲
- ۱/۳/۱/۱/۲. تبیین مراحل به عنوان محور دوم جهت حرکت انقلاب اسلامی و ذکر آن توسط مقام معظم رهبری ۲۲
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱. وجود ۵ مرحله جهت تحقق شاخص های هویت اسلامی ۲۲
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۱. گرفتن اختیارات حکومتی از غیر معتقدین به مبنای انقلاب اسلامی در سال ۵۷ به عنوان اولین مرحله ۲۲
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۲. تعریف شدن اجمالی از تحقق مبنای انقلاب اسلامی تحت عنوان نظام اسلامی به عنوان مرحله دوم ۲۲
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۲/۱. عدم مصادره هویت اسلامی به دموکراتیک با تاکید امام بر کلمه جمهوری اسلامی نه کلمه ای زیاد و کم و مشخص شدن اهمیت این موضوع در بیداری اسلامی ۲۲
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۲/۲. مصادره شدن انقلاب های منطقه و تدوین قانون اساسی های به عنوان یک معضل اصلی بیداری اسلامی ۲۳
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۲/۳. تعریف هویت اجمالی حرکت مبتنی بر مبنا طی این مرحله تحت عنوان نظام اسلامی ۲۳
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳. توانمند سازی ساختارها برای برنامه ریزی بر اساس مبنا به عنوان مرحله سوم تحت عنوان دولت اسلامی ۲۳

- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳/۱. عدم توان برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی به عنوان معضل
مرحله دولت اسلامی ۲۳
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳/۱/۱. عدم قابلیت محاسبه شاخص عدالت به عنوان مثالی از توانمند نبودن
ساختارها ۲۴
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳/۱/۲. استفاده از ضریب جینی نتیجه ی نبود روش محاسبه شاخص عدالت و
پذیرفتن فاصله طبقاتی به عنوان معادله ی ضد عدالت به جای شاخص عدالت ۲۴
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳/۲. عدم انتقال به مرحله جامعه اسلامی از دولت اسلامی تا زمان توانمند سازی
ساختارها جهت احراز هویت اسلامی ۲۴
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳. جذب سایر ملل به مبنای حرکت انقلاب به عنوان مرحله چهارم و ورود به مرحله
جامعه اسلامی ۲۴
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۴. نسبت داشتن هر پنج مرحله با مبنای حرکت انقلاب از گرفتن اختیارات حکومتی
تا معرفی مبنا به بقیه ملتها و حرکت قبل از ظهور ۲۴
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳/۳. ۲۰ سال مدت مرحله توانمندسازی ساختارها به فرموده امام خامنه ای ۲۵
- ۱/۳/۱/۱/۲/۱/۳/۳/۱. لزوم ارائه تصویر درست از مرحله دولت اسلامی و توانمند سازی ساختارها بر
اساس مبنا و حل این مسئله در نقشه راه ۲۵
- ۱/۳/۱/۱/۲/۲. لزوم توجه به مبنا در تحقق ۵ مرحله برگرفته از فرموده های امام خامنه ای و تبیین
بیشتر آنها ۲۵
- ۱/۳/۱/۱/۳. تبیین موضوعات انتقال به عنوان محور سوم از جهت حرکت انقلاب اسلامی و لازمه
تحقق مبنای انقلاب اسلامی ۲۵
- ۱/۳/۱/۱/۳/۱. قابلیت تحقق مبنا در ۵ مرحله به دلیل عدم وجود ظرفیت در جامعه اسلامی در
اوایل انقلاب ۲۵

- ۱/۳/۱/۱/۳/۲. مشخص شدن اولویت های هر مرحله توسط موضوع انتقال هر مرحله و کمک به درک سیر مراحل ۲۵
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳. عدم تحقق شاخص ها نتیجه ی عدم تمرکز بر موضوع انتقال و ظرفیت هر مرحله ۲۶
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱. اعتقاد به تحقق مبنا در ۵ مرحله نتیجه پذیرفتن عدم وجود ظرفیت تحقق آن در یک مرحله ۲۶
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱/۱. تبیین مومن بودن مردم به اسلام معرفی شده از روحانیت در جامعه امروز در سخنان رهبری به عنوان مثالی از ظرفیت موجود در جامعه ۲۶
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱/۲. ظرفیت تشکیل حکومت اسلامی در مرحله انقلاب و نداشتن ظرفیت تحقق ساختارهای اسلامی دیگر ۲۶
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۴. چگونگی تشکیل حکومت به عنوان موضوع انتقال مرحله نظام اسلامی ۲۶
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۴/۱. اعتقاد به تولید الگوی پیشرفت بدون توجه به ظرفیت اجرای آن در مرحله لنقلاب به عنوان مثالی از عدم توجه به موضوعات انتقال ۲۶
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱/۳. از بین رفتن ظرفیت تحقق مبنا و شعارزدگی جامعه نتیجه تقاضای تحقق مبنا اضافه بر ظرفیت جامعه ۲۷
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱/۴. موضوع انتقال به عنوان علت انتقال هر مرحله و عدم درک آن توسط عده ای از نیروهای انقلاب ۲۷
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱/۵. مصادره نشدن حکومت اسلامی به سایر حکومت ها در نتیجه تبیین تئوری ولایت فقیه توسط حضرت امام و گسترش آن توسط نیروهای انقلابی به عنوان مثالی از درک موضوع انتقال هر مرحله ۲۷
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱/۶. تبیین اختیارات فقیه توسط امام موجب انتقال جامعه از مرحله انقلاب به نظام اسلامی ۲۷

- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱/۷. تبیین و جا انداختن مسئله ولایت فقیه توسط امام برای روحانیت موجب منحرف نشدن مبنای انقلاب توسط جریان روشنفکری ۲۷
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱/۷/۱. تلاش جریان روشنفکری برای محدود کردن اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی ۲۷
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۱/۷/۲. امکان بازنگری و تغییر قانون اساسی مصوب ۵۸ در مراحل بعدی ۲۷
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۴. مروری دوباره بر مسئله ولایت فقیه به عنوان موضوع انتقال مرحله انقلاب به نظام اسلامی ۲۷
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۵. پایه گذاری و استقرار نظام اسلامی به وسیله در راس بودن جنگ تحمیلی به عنوان موضوع انتقال مرحله نظام اسلامی ۲۷
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۵/۱. کلید جمله جنگ در راس امور است توسط امام موجب استقرار نظام اسلامی و صادر شدن انقلاب و پذیرش آن ۲۸
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۵/۲. ۸ سال جنگ موجب به رسمیت شناخته شدن ظرفیت و کارآمدی انقلاب و استقرار ظرفیت تکنولوژی کشور ۲۸
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶. رحلت امام و امامت امام خامنه ای به عنوان ابتدای دوره دولت اسلامی ۲۸
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۱. عنوان نمودن عدالت، حکمت، و مصلحت توسط امام خامنه ای و لزوم گفتمان سازی و توانمند سازی ساختارها در مرحله دولت اسلامی ۲۸
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲. مرحله دولت اسلامی به جامعه اسلامی به عنوان مرحله کنونی انقلاب اسلامی و مسئله پیشرفت به عنوان موضوع انتقال این مرحله ۲۸
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲. مرحله دولت اسلامی به جامعه اسلامی به عنوان مرحله کنونی انقلاب اسلامی و مسئله پیشرفت به عنوان موضوع انتقال این مرحله ۲۸
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۲. تبیین جهت حرکت انقلاب به وسیله ارائه الگوی پیشرفت و عدم تبیین درست جهت به عنوان آسیب شرایط فعلی ۲۸

- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳. اهمیت بحث نقشه راه تولید الگو برای توانمند سازی ساختارها و بحث الگو به عنوان بحث اصلی توانمند سازی ساختارها ۲۹
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱. بحث چگونگی توانمند سازی ساختارها در نقشه راه الگوی پیشرفت و تبیین و تحقق آن در سه مرحله از دولت اسلامی ۲۹
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۱. توانمند سازی در ۲۲ سال گذشته از ابتدای امامت امام خامنه ای ۲۹
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۲. مرحله سوم دولت اسلامی در ۸ سال گذشته تحت عنوان دهه پیشرفت و عدالت و استفاده عمده رهبری از کلمه پیشرفت به جای توسعه ۲۹
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۳. لزوم تبیین پیشرفت به فرموده آقا به عنوان مرحله دوم و به نام دوره تکامل در نقشه راه ۳۰
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۱. قانون اساسی مصوب ۵۸ با تغییرات ۶۸ عنوان مرحله اول و طی شده دولت اسلامی ۳۰
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۲. قانون اساسی متأثر از الگوی پیشرفت و مبین روابط ساختاری آینده از راه های توانمند سازی ساختارها ۳۰
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۳. قانون اساسی انقلاب فرهنگی به عنوان قانون اساسی دوره تکامل ۳۱
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۱/۴. تئوریزه کردن روابط ساختاری متناسب با تحول در دانشگاه و حوزه در دوره تکامل انقلاب ۳۱
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲. رسیدن به پیشرفت اسلامی به وسیله توسعه غربی به عنوان اصل موجود در مرحله کنونی نقشه راه ۳۱
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۱. برنامه ریزی بانک جهانی بر مبنای هزار شاخص توسعه غربی بدون شاخص های عدالت و خانواده ۳۱
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۲. لزوم ارائه پکیج شاخص اسلامی و جدید بدون نیاز به استفاده از شاخص های غربی ۳۱

- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۳. فاصله داشتن شاخص های غربی از جمله شاخص فراوانی موبایل با مبانی اسلامی ۳۱
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۴. Wdi به عنوان مبنای برنامه ریزی در ایران و تلاش کارشناسان در وزارتخانه ها جهت تحقق این شاخص ها ۳۱
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۵. لزوم توانمند سازی ساختارها برای حرکت در جهت شاخص های هویت اسلامی و لزوم ارائه پکیج شاخص ها و گزارش سالیانه جهت تبیین شاخص های هویت اسلامی ۳۱
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۵/۱. شاخص خانواده به عنوان یکی از شاخص های هویت اسلامی و لزوم ارائه به همراه روش محاسبه این شاخص ۳۱
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۶. لزوم انتشار شاخص های هویت اسلامی به همراه روش محاسبه شان جهت جلوگیری از استعمال شاخص های توسعه غربی..... ۳۲
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۶/۱. یارانه مستقیم روشی نزدیک به عدالت و جدا از شاخص های غربی به عنوان مثالی از حرکتی کند به سمت تحقق شاخص اسلامی عدالت ۳۲
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۶/۲. انتشار شاخص های هویت اسلامی به عنوان راه اصلی تبیین تفصیلی پیشرفت به جای توسعه غربی ۳۲
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷. ۲۷ ماموریت پیشنهادی نقشه راه جهت توانمندسازی ساختارها ۳۳
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷/۱. نوشتن برنامه و پیشنهاد سیاست کلان بر اساس الگو و پیوست آن به دو سند چشم انداز باقیمانده به عنوان نسبت نقشه راه با چشم انداز ۲۰ ساله ۳۳
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷/۲. هویت اسلامی الهام بخش در جهان اسلام که مورد توجه نبوده و ایران کشور توسعه یافته به عنوان دو عبارت در سند چشم انداز..... ۳۳
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷/۳. تنظیم سند پیشنهادی مجمع تشخیص و برگزاری همایش سیاست خارجی توسعه گرا بر اساس توسعه ۳۴

- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷/۴. اصلاح سند پیشنهادی مجمع تشخیص و اضافه نمودن عبارت ایران الهام بخش جهان اسلام توسط امام خامنه ای ۳۴
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷/۵. اضافه نمودن عبارت مورد نظر جهت تغییر تعریف سیاست توسعه گرا به وسیله ارائه پیشنهادات در برنامه های کلان توسط نقشه راه ۳۴
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۷/۵. اضافه نمودن عبارت مورد نظر جهت تغییر تعریف سیاست توسعه گرا به وسیله ارائه پیشنهادات در برنامه های کلان توسط نقشه راه ۳۴
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۸/۱. انحلال سازمان مدیریت برنامه در دولت احمدی نژاد به عنوان برخورد مناسب با برنامه ریزی بر مبنای توسعه ۳۵
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۸/۲. لزوم طراحی جایگزین ساختارها جهت خروج از برنامه ریزی مدرن و جلوگیری از خطر معکوس شدن آن ها و برگشت به ساختار های قبلی ۳۵
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۸/۳. لزوم بررسی موارد متحول کننده ساختار آموزش و پرورش جهت تحول در تربیت بر اساس شاخص های الگوی پیشرفت ۳۵
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۸/۳. لزوم پاسخ به راهکارها جهت توانمند سازی ساختارها متناسب با مبنا توسط کاندیدهای ریاست جمهوری ۳۵
- ۱/۳/۱/۱/۳/۳/۶/۲/۳/۲/۸/۳/۱. لزوم ارائه چگونگی درک از دولت اسلامی و توانمندسازی ساختارها علاوه بر قبول حکم حکومتی ولی فقیه به عنوان معیار اصلحیت کاندیدها و تبیین این موضوع در نقشه راه ۳۶
- ۱/۲. تبیین اجمالی از سه فعالیت اصلی شورای راهبردی توسط دبیر شورا ۳۶
- ۱/۲/۱. تبیین مسئله الگوی پیشرفت به همراه تبیین جهت حرکت انقلاب اسلامی به عنوان مکمل بحث،اولین وظیفه شورا ۳۶
- ۱/۲/۱/۱. عدم تسلط بر بحث جهت انقلاب و ارائه الگوی توسعه غربی توسط افراد در همایش ها منجر به ترسیم نادرست از مسیر پیش روی انقلاب ۳۶

- ۱/۲/۱/۲. تبیین مسئله الگوی پیشرفت در نشست ها و کارگاه ها و طرح سوال خوب به عنوان نصف جواب ۳۷
- ۱/۲/۲. ارتباط با نهاد های نظام با محوریت های ماموریت های ۲۷ گانه به عنوان کار دوم شورا ۳۷
- ۱/۲/۲/۱. پیشنهاد جهت توانمندسازی مجلس و روش تقنین مناسب بر مبنای انقلاب به عنوان یکی از ماموریت ها ۳۷
- ۱/۲/۲/۱/۱. پیشنهادات نقشه راه در راستای تقنین در سطح بالاتر اسلامیت بر مبنای انقلاب اسلامی ۳۸
- ۱/۲/۳. پیشنهاد سیاست های کلان جهت کمتر متاثر شدن برنامه ششم توسعه از ادبیات توسعه به عنوان کار سوم شورا ۳۸
- ۱/۲/۴. تبیین سه کار اصلی شورا به صورت اجمالی و لزوم ارائه بسته سیاسی پیشنهادی به دفتر رهبری ۳۹
- ۱/۲/۵. پرداختن نشریات و همایش ها به عنوان مدخلی جهت تبیین مسئله الگوی پیشرفت ۳۹
- ۱/۲/۵/۱. اقدامات تبلیغاتی شورا مانعی برای دوباره کاری مایوس کننده و کسل و در مقابل سایر اقدامات غیر مبنایی سایر کارگروه ها ۴۰



حضرت آیه الله
امام خامنه ای
(حفظه الله)

لازمه ی تحقق الگوی
پیشرفت و رسوخ آن در میان
نخبگان گفتمان سازی است.

طراحی الگوی پیشرفت
باید در دستور کار قطعی
نظام قرار بگیرد.

طراحی الگوی پیشرفت
نیازمند جرات شجاعت و
انگیزه بسیار قوی است